

# روش های تبلیغی وهابیت

## روش های تبلیغی وهابیت

وهابیت با در دست داشتن منابع و ذخائر نفت و گاز و تسلط بر حرمین شریفین از روشهای مختلف مانند ایجاد رعب و وحشت و ترور توسط گروه های تند رو در کشور های اسلامی، اصرار و تحمیل عقیده، اكمال و اعزام مبلغ در کشور ها، انتشار و پخش کتب، در انحصار قرار دادن مراکز انتشاراتی و رسانه ای و کتابخانه ای، استفاده مغرضانه از دانشگاه ها و مراکز علمی و فرهنگی، استفاده از احساسات مردم با شعار های جذاب همچون جهاد با کافران، نجات اسلام و بدعت زدایی علیه مخالفین شان و صدور فتوا های شدیدالحن علیه آنها، اعمال هر گونه تبعیض در داخل عربستان، تخریب قبور آرامگاه اولیاء و بزرگان دین، تحریف کتب اصلی و نشر کتاب های دروغین و همچنین اتهامات و نسبت های دروغین علیه شیعیان استفاده نموده و شبانه روز برای تضعیف مذهب شیعه و گسترش تفکر وهابیت با شعار مبارزه با شرک و بدعت های رایج، تبلیغ می نمایند.

### مقدمه

تبلیغ از دیرباز در بین جوامع بشری، جایگاه کهن مهم و مؤثری داشته است. بطوریکه زمین هیچگاه از وجود مبلغ خالی نبوده و نخواهد بود و اولین موجود بشری به عنوان مبلغ و دارای پیام، پا بعرضه گیتی گذاشت. بهترین انسانهای برگزیده شده و سفرای عالم بالا، وارسته به این صفت و حاملان پیام الهی برای بشریت هستند و در این راستا به عنوان پیامبران الهی و دعوت کنندگان به سوی حق ایفای وظیفه نموده و مأموریت خویش را به انجام رسانیدند. قرآن مجید وقتی وظیفه و رسالت اصلی رسولان الهی را بازگو مینماید میفرماید: «وما علی الرسول الا البلاغ» (1) و روی مسأله تبلیغ بطور مکرر تکیه کرده است. امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه جمله معروفی درباره فلسفه بعثت انبیاء دارد که میفرماید: «قَبِعَتْ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَائُهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثْقَالَ فِطْرَتِهِ وَيَذْكُرُوهُمْ مَنْسِيٍّ نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِم بِالْتَّبْلِيغِ» یعنی خداوند پیامبران را یکی پشت سر دیگری فرستاد، تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جویند و نعمت های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت را بر آنها تمام نمایند. (2) پیامبران الهی دو دسته اند:

1- دسته هستند که هم مبلغند و هم مشرّع و قانون گذار، مانند حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (علیهم السلام).

2- دسته دیگر و بقیه پیامبران همه مبلغند ولی مشرّع نیستند. به عبارتی دیگر تمام 124000 پیامبر مبلغ بودند ولی همه مشرّع نبوده اند. بعد از خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) اوصیا و جانشینان آن حضرت نیز مبلغ اسلام بودند. تبلیغ و ابلاغ به معنای رساندن و انتقال یک پیام و امر فکری است. ممکن است پیروان هر دین و مذهبی برای انتقال پیام و اندیشه خویش به دیگران، اهتمام ورزیده و با اسلوب و روش گوناگون و استفاده از دستگاه و ابزار مختلف، تبلیغ نمایند، حال برای صدق این قضیه، مهم نیست که صاحب پیام و به طبع آن ابزار و مبلغین آن در مسیر حق و دارای پیام مثبت باشد، یا منحرف و دارای پیام منفی. و نیز ممکن است پیام

دهندگان برای تبلیغ تفکرات و اندیشه خویش دیگران را متهم به نقاط ضعف ونا کار آمدنموده واز خودش وعلیه دیگران تبلیغ نمایند. فرقه وهابیت که ریشه ی آن درکشور عربستان وشاخ وبرگ هایش دربرخی کشورهای دیگر به چشم می خورد وبیشترین فاصله را با مذهب شیعه، نسبت به سایر فرقه های اسلامی دارد. گرچه دراین مورد کتابها و مقالات به نگارش درآمده ولی بطور منسجم پرداخته نشده ویا به نظر حقیر نرسیده است. لذا اینجانب را بر آن داشت که نخست تعریف کوتاه از تبلیغ داشته و سپس پژوهشی باموضوعیت شناسایی روش های تبلیغی آن داشته باشم. ولی هیچگونه ادعایی مبنی بر تکامل وعاری از نقص و عیب بودن این اثر را ندارم وامید است که درآینده نزدیک محققان وپژوهشگران دیگر، آثار ارزشمندی در این زمینه عرضه بدارند.

## تبلیغ چیست؟

تبلیغ: تبلیغ در لغت به معنای ایصال و رساندن است، چنانچه ابن منظور می گوید: ابلاغ وتبلیغ هر دو به معنی ایصال است. (3) تبلیغ با وصول و ایصال معنی نزدیک دارد و در فارسی هر دو به معنای رساندن و رسیدن به کار می رود، اما در زبان عربی ایصال را نمی شود به جای ابلاغ و بالعکس بکار برد چون در ایصال رساندن در امر محسوس و مادی است اما در ابلاغ و تبلیغ به معنای رساندن یک فکر یا یک پیام است یعنی در مورد رساندن چیزی به فکر وروح وضمیر وقلب کسی بکار میرود. لذا قرآن کریم ابلاغ وتبلیغ را در مورد رسالت که عبارت از پیام ها ست بکار برده است. (4) قرآن کریم از زبان پیامبران نقل می کند: «یا قوم لقد ابلغتکم رساله ربی و نصحت لکم ولکن لا تحبون الناصحین». (5) ای قوم من ابلاغ رسالت از خدای خود نمودم وشما را نصیحت کردم لیکن شما از جهل وغرور ناصحان را دوست نمی دارید. یا در باره ی پیامبران می فرماید: «وما علی الرسول الا البلاغ» (6) بر پیغمبر جز تبلیغ احکام الهی وظیفه نیست. «الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احد الا الله» (7) آنانکه تبلیغ رسالت خدا بخلق کنند واز خدا می ترسند واز هیچکس جز خدا نمی ترسند. راغب می گوید: ابلاغ وتبلیغ هر دو دارای یک معنی می باشد، لیکن تبلیغ بیشتر از ابلاغ استعمال می شود وبلوغ و ابلاغ به معنای رسیدن به هدف نهایی ویا اشراف بر آن است. تبلیغ در لغت بمعنای رساندن، خبر یا مطلبی به مردم وانداختن موضوعی به وسیله ای دراذهان، ودر اصطلاح وسیله ای بسیار مهم برای جذب انسانها، به سوی افکار و عقاید گوناگون است. (8) تبلیغ به دو صورت آمده است، یکی شیوه عملی که مبلغ در آن با رفتار و اعمال خود پیام را می رساند و دیگر اینکه از شیوه گفتاری پیام را ب دیگران منتقل نمایند. عناصر تبلیغ: مراد از عناصر تبلیغ در حقیقت همان چیز های است که تشکیل دهنده پیکر تبلیغ است و تبلیغ بدون آن تحقق پیدا نمی کنند وآن عناصر عبارتند از:

- 1- کسیکه عهده دار ایصال رسالت به مردم است. (پیام آورنده )
  - 2- کسیکه مبلغ از طرف او مامور است تا تبلیغ کند. (پیام دهنده )
  - 3- امر یا اموری که باید آن را ب دیگران ابلاغ کند. (پیام )
  - 4- کسانی که ان امور باید به آنها ابلاغ شود خواه گروه خاص یا عموم مردم باشد. (پیام گیرنده )
- (اکنون با توجه به معنای لغوی واصطلاحی تبلیغ، پیام دهنده برای ایصال وانتقال افکار وپیام خویش به دیگران از هر وسیله ای استفاده کند تبلیغ نامیده می شود.

## روش های تبلیغ وهابیت

در پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ایران، امام راحل(ره) که طلایه دار مبارزه با استکبار جهانی و عملاً مروج اسلام ناب محمدی بود و از طرفی هم شناخته شدن ایران به عنوان ام القرای جهان اسلام، برای فرهنگ خود پنداری موحدین واقعی وهابی با داعیه ای

دعوت به اسلام واقعی بسیار نا گوار بود، از همین رو فرقه وهابیت به تحریک استکبار و میل ذاتی خویش کمر بر مقابله با نفوذ رو به رشد ایران و جهان تشیع بسته اند و برای نیل به اهداف خویش، در زمینه ای تبلیغ فرهنگ وهابیت بطور مستقیم و یا غیر مستقیم، تلاش نموده و از هر وسیله در این راستا استفاده کرده اند. اکنون موضوع اصلی این نوشتار که اشنائی با روشهای تبلیغی وهابیت و ابزار که مورد استفاده شان علیه دیگران به ویژه شیعیان قرار گرفته است دنبال می گردد.

### 1) تسلط بر حرمین شریفین و استفاده ابزاری از آن

برخاستن دین مبین اسلام از شبه جزیره عربستان و قرار داشتن بیت الله الحرام در مکه و قرار داشتن مرقد پاک پیامبر در مدینه، عربستان را از نظر تاریخی در موقعیت ممتاز قرار داده است. در نظر بسیاری از مسلمانان جهان به ویژه مسلمانان خارج از منطقه خلیج فارس عربستان جلوه گاه اسلام واقعی است و وهابیون به عنوان پرده داران خانه کعبه و جانشینان پیامبر اسلام از آن بهره برداری می کنند. در طول سال میلیون ها زائر از سراسر کشورهای اسلامی برای زیارت به این اماکن متبرکه می آیند وهابیون افزون بر اینکه سالانه ثروت هنگفتی ازین راه به دست می آورند با ایفای نقش میزبانی مسلمانان و نگهداری حرمین شریفین برای خود اعتبار و امتیاز کسب می کنند و از القاب مانند «خادم الحرمین»، «متولیان حرمین شریفین» و. . استفاده می کنند. حاکمان سعودی با استفاده از نام بیت الله الحرام و فریضه حج کانون ها و مؤسسات متعددی را تشکیل داده و از این طریق استفاده تبلیغی می نمایند، آنان نام وزارت خانه مستقلی به نام «حج» تشکیل داده اند که وظیفه اساسی آن رسیدگی به مسایل حج و حجاج است و باید همه علماء و دانشمندان وهابی، آمادگی کامل برای بر گذاری مراسم داشته باشند و لزوماً احکام و پرسش های شرعی حاجیان را بر طبق مذهب وهابیت پاسخ گویند و همچنین اداره حرمین شریفین ( مکه و مدینه ) از وظایف عمده وزارت حج و شئون اسلامی است. این وزارتخانه به طور منظم، کتاب ها و مجلاتی را برای معرفی مکان های تاریخی و اعمال مذهبی مسلمانان طبق مذهب و هابیت چاپ و منتشر می کند. در فصلنامه فرهنگ پویا در مورد بعضی از مؤسسات و نهاد هایی که وهابیون از آن هادر طول سال و بویژه در ایام موسم حج، برای تبلیغ تفکر وهابیت استفاده می کنند آمده است: گفتنی است موسسات و نهادهای متعددی مانند «مجلس الشورای الدعوة و الارشاد»، «المجلس الاعلی و الشئون الاسلامیه»، «ریاسة شئون الحرم المکی و الحرم المدنی»، «دور الحج فی نشرة الدعوة»، «هیئة الامر بالمعروف و النهی عن المنکر»، «الرسالة العالیة لا دارة الهجره العلمیه و الافتاء»، «الجماعة الخیریه لتحفیظ القرآن الکریم» و «هیئة الکبار العلماء» زیر نظر وزارت حج فعالیت می کنند که هر یک به سهم خود با برپایی جلسات، سخنرانی ها در داخل و خارج، تالیف کتب و چاپ و نشریات و توزیع واهدای آنان به ویژه در ایام حج ( ماه های ذی القعدة و ذی الحجة) به وظایف خویش عمل می کنند. (9)

### 2) استفاده از موسم حج

موسم حج یکی دیگر از ابزار هایی است که وهابیت از آن استفاده تبلیغی می نماید، موسمی که در آن صد ها حاجی مسلمان از اطراف عالم جمع می شوند مبلغان وهابیت با غنیمت شمردن این گرد همایی مسلمانان از سراسر جهان در ایام حج، نهایت تلاش خود را برای تبلیغ وهابیت به کار می گیرند و از این موقعیت به خوبی در نشر افکار خود سوء استفاده می کنند. آنان مبلغین زبان دان را این حجاج می فرستند، و با بحث علمی واهدای انواع کتاب و دعوت به مراکز علمی شان - اگر از شخصیت های علمی باشند- به تبلیغ مذهب خود می پردازند. آنان حتی در بین حجاج شیعه و بویژه ایرانیان کتاب های فارسی بر ضد شیعه را در تیراژ بسیار بالا به

طور مجانی توزیع می کنند، کتاب های که اهداف آنان را بسیار مرموزانه دنبال می کند و از این جهت در صدد تثبیت عقاید خود و تخریب عقاید شیعه و مذاهب دیگر اسلامی است. اما باید دانست که عقاید پوچ وهابیان نه تنها به شیعیان تأثیر نمی گذارد، بلکه سایر مذاهب اهل سنت نیز از عقاید و عملکرد آنها بیزارند. نمونه شکست آنان را در ایجاد گروه های انحرافی همچون طالبان و القاعده و فرجام آنان می توان دریافت. علی اصغر رضوانی می نگارد: طبق اظهارات یکی از بزرگان، در کشور تاجیکستان از سوی وهابی ها باغ بزرگی تهیه و از فرهنگیان جهت تدریس در محیط دانشگاه و مدارس اقدام به ثبت نام نموده و پس از یک دوره ی سه ماهه، حدود 400 نفر از برگزیدگان را به سوی عربستان برده و در دانشگاه «الاسلامیة» مدینه منوره طی دو سال دوره آموزش مبانی وهابیت و راه مبارزه با فرهنگ شیعه، آنان را به شهر های مختلف تاجیکستان و دیگر کشور های آسیای میانه اعزام کرده اند. مشابه به این کار در آذربایجان شوروی نیز انجام گرفته و حتی اسم کسانی را که همنام ائمه (ع) بودند، تغییر داده و سپس آنان را برای ترویج افکار وهابیت به کشور مبدأ اعزام نموده اند. (10) وی می افزاید: «فقط در ایام حج سال 1381، ده میلیون و 685 هزار جلد کتاب به 20 زبان زنده دنیا، (غالباً بر ضد شیعه) توسط دولت سعودی در میان زائران خانه خدا، توزیع شده است یکی از روحانیون سر شناس شیعه در منطقه ی قطیف کشور سعودی، در شب 12 رجب سال جاری (1382) در مکه مکرمه اظهار داشت: کتاب «لله ثم للتاریخ» که ضد شیعه است را با کامیون های بزرگ در منطقه قطیف و احساء در میان شیعیان به رایگان توزیع کرده اند. « (11)

### 3) تحمیل و اصرار عقیده

بسیاری از مذاهب دنیا پیروان خود را از مطالعه و بررسی دیگران منع نموده و راه تحقیق و تفحص را می بندد ولی اسلام عزیز است که در این قسمت دروازه ها را باز گذاشته و از گفتگو و تحقیق استقبال می نماید تا اگر کسی حرف برای گفتن داشته باشد بیاید مطرح نماید و سخن با منطق و معقول برگزیده شود و در مقابل از تعصب و لجاجت و نشنیدن حرف و منطق دیگران به شدت مذمت نموده است چنانکه در قرآن مجید می فرماید: « و انی کلمادعوتهم لتغفر لهم جعلوا اصابهم فی آذانهم و استغشوا ثیابهم و اصروا و استکبروا استکبارا» (12) خداوند! هر زمان آنان را دعوت کردم که آنها را بیخشی انگشتها را در گوش قرار دادند، و لباس بر خویشان پیچیدند، در گمراهی خود اصرار ورزیدند، و شدیداً استکبار کردند. و کسانی را که اهل گفتمان و آزاد اندیش و انتخاب گزند و به سخنان دیگران بدون تعصب و لجاجت گوش می دهند و با خرد و بینش پذیرای سخن حق و منطقی اند را بشارت داده است. چنانچه قرآن کریم می فرماید: «و الذین اجتنبوا الطاغوت ان یعبدوها و انا بوا الی الله لهم البشیری فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک هم اولوالالباب» (13)

17- کسانی که از عبادت طاغوت اجتناب کردند و به سوی خداوند باز گشتند بشارت از آن آنها است، بنا بر این بندگان مرا بشارت ده.

18- کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند، آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند.

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه آورده است: در این آیات، قرآن از روش مقایسه بهره گیری کرده، و در مقابل مشرکان معتصب و لجوجی که سر نوشتی جز آتش دوزخ ندارند سخن از بندگان خاص و حقیقت جوی پروردگار به میان آورده، می گوید: « بشارت باد بر کسانی که از عبادت «طاغوت» اجتناب کردند و به سوی خدا باز گشتند. « سپس برای معرفی این بندگان ویژه می گوید: « بندگان خاص مرا بشارت ده ». « آنها که سخنان را می شنوند، و از نیکوترین آنها پیروی می کنند ». « آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندان و

صاحبان مغز و عقلند». این دو آیه که به صورت یک شعار اسلامی در آمده، آزاد اندیشی مسلمانان، و انتخاب گری آنها را در مسائل مختلف بخوبی نشان می دهد. نخست می گوید: « بندگان مرا بشارت ده » و بعد این بندگان ویژه را به این صورت معرفی می کند که « آنها به سخنان این و آن بدون در نظر گرفتن گوینده بر می گزینند » هیچگونه تعصب و لجاجتی در کار آنها نیست، و هیچگونه محدودیتی در فکر و اندیشه آنها وجود ندارد، آنها جویای حقد و تشنه حقیقت، هر جا آن را بیابند با تمام وجود از آن استقبال می کنند، و از چشمه زلال آن بی دریغ می نوشند و سیراب می شوند. آنها نه تنها طالب حقد و تشنه گفتار نیک، بلکه در میان « خوب » و « خوبتر » و « نیکو » و « نیکوتر » دومی را بر می گزینند، خلاصه آنها خواهان بهترین و برترینند. آری این است نشانه یک مسلمان راستین و مؤمن و حق طلب. (14) وهابی های متعصب (سلفی ها) به طور کامل در نقطه مخالفت این منطق عادلانه و عادلانه اسلامی قرار دارند. آنها معتقدند باید بر داشت خود را در مسئله شرک و توحید بر دیگران تحمیل کرد، اگر چه از طریق تهدید به قتل و خونریزی و غارت اموال باشد که اسنادش در کتابهای بنیانگذار این مذهب موجود است. آیت الله مکارم می افزاید: وقتی به عالمان آنها می گوئیم اگر شما عالم هستید ما هم عالم هستیم و بیش از شما درس خواندیم و کتاب نوشته ایم اگر شما مجتهد هستید ما هم مجتهد هستیم علمای الازهر و حوزه های دینی دمشق و اردن و سایر بلاد اسلامی نیز مجتهدان بسیاری دارد چه دلیلی دارد که دیگران مجبور باشند عقیده شما را در باب شرک و توحید بپذیرند. می گویند حرف همین است که ما می گوئیم و اسلام همین است که ما به آن رسیده ایم فراموش نمی کنیم در سال های نخستین که زیارت خانه خدا مشرف شده بودم در مدینه منظره عجیبی دیدم که مرا سخت در فکر فرو برد. گروهی بنام آمرین به معروف (از متعصبین وهابی) با ریشهای بلند اطراف مرقد پیامبر اکرم گرفته بودند و هرکدام شلاق می دزد دست داشتند و هرکس به قصد بوسیدن مرقد پیامبر نزدیک می شد بر سرش می کوفتند و می گفتند هذا حدید هذا خشب و هذا شرک این ضریح یک قطعه آهن و چوب بیش نیست و این کار شما شرک است، و فراموش نمی کنم که در زیارت خانه خدا رفته بودم جمعی را دیدم که منبر پیغمبر را ببوسند و شرطه ها را کلافه کرده بودند. یک نفر که ظاهراً از مامورین امر به معروف بود برخاست و این جمله را گفت: و الله یجوز قتال هؤلاء بالسیف. تحمیل فکر از سوی یک گروه اندک که از نظر علمی رتبه پایین تر را دارند بر اکثریت مسلمین به هیچ منطقی سازگار نیست ولی سلفی ها معتصب از بدترین روشها برای تحمیل عقیده خود استفاده می کنند و این جای تأسف است. (15) وهابیت حتی درکتب که برضد بعضی از فرق و مذاهب اسلامی نوشته اند الفاظ و کلمات رکیک و زننده و عبارات شدیدالحنی را به کار برده اند که حاکی از تحمیل افکار و اصرار عقیده و تک روی این گروه است. آیت الله مکارم در جای دیگر آورده است: متعصبان وهابی اخیراً کتابهای در رد بعضی از مذاهب اسلامی نوشته و آنها را در میان حجاج پخش می کند در حالی که با ادبیات زشت و الفاظ رکیک و مشتمل بر انواع دروغها و تهمت ها و نسبت دادن شرک و کفر به دیگران است، آنها در کتابها به مخالفین خود از القاب زشت و زننده استفاده می کند مانند:

در یک جا می گوید: ایها المشرک (شرح کشف الشبهات ص 77)

در جای دیگر می گوید: اعداء الل (همان ص 79)

در جای دیگر: للمشرکین شبهة آخری (همان ص 109)

در جای دیگر: هولاءالمشرکین الجهال (همان ص 120)

در جای دیگر: اعداء التوحید (همان ص 65)

در جای دیگر: یک نفر عامی بی سواد بر هزار نفر از علمای مشرکین (مسلمانانی که معتقد به

شفاعت هستند) غلبه پیدا می کنند(همان ص 68) (16) اخیراً کتابی بعد از پیروزی انقلاب اسلام می ایران به نام « جاء دورالمجوس» منتشر شده است. در آن کتاب آمده است: خطر حاکمان تهران برای اسلام بیشتر از خطر یهودیها است و ما از آنها خیری انتظار نداریم. در ادامه می نویسد: «ما به خوبی می دانیم که آنها به زودی با یهودیهای اسرائیل هم دست می شوند و با مسلمانهای جنگند». (17)

#### 4) استفاده از درآمد نفت

اقتصاد یکی از ابزار های مهمی تبلیغاتی است زیرا در طول تاریخ کسانی بوده است که با استفاده از پول و ثروت چنان دستگاه تبلیغاتی راه انداختند که انسان های زیادی به راحتی از حق چشم پوشیده و در دام این شیادان گرفتار و اسیر مادیات شان شدند. سرزمین عربستان دارای ذخایر عظیم نفتی در جهان است بطوری که تا سال 1984 م 168/8 میلیارد بشکه برآورد شده بود و با تولید روزانه 11 میلیون بشکه نفت در روز، به این کشور در داخل سازمان اوپک و در میان تولید کننده گان نفت جهانی قدرتی داده است. این قدرت عظیم مالی امکانات اقتصادی گسترده ای در اختیار وها بیان قرار داده و این منطقه با جمعیت نسبتاً کم خود، تا کنون توانسته است مبالغ هنگفتی در سال صرف کمک به کشورهای دیگر و نهاد های بین المللی کند و از این طریق، بر تبلیغ اعتقادی و نفوذ و اعتبار سیاسی خود بیفزاید. حامد الگار در کتاب وهابی گری در باره مهم بودن این ابزار میگوید: دو مطلب: نخست آنکه وهابیگری در تاریخ کاملاً طولانی و پر بار اندیشه اسلامی جایگاه ویژه ای ندارد این جنبش که از اصالتی عقلانی بر کنار بود این نیک بختی را داشت که در شبه جزیره ای عربستان ( هر چند در نجد نقطه ای نسبتاً کوچک و دور افتاده درین شبه جزیره ) و در نتیجه در نزدیکی حرمین، مرکز اصلی جغرافیایی جهان اسلام پدیدار شود و سرنوشت پشتیبان سعودی آن این بود که در سده بیستم به ثروت عظیم نفت دست یابند که بخشی از آن صرف تلاشهای برای تبلیغ وهابیگری در جهان اسلام و فراسوی آن شود. اگر این دو عامل نبود وهابیگری بصورت جنبش فرقه گرایانه ای کم اهمیت و ناپایدار به تاریخ سپرده می شد این دو عامل تا حدی تناسب با گرایش های دیگری در جهان اسلام موجب دوام به نسبت زیادی وهابیگری شد. (18) فراوانی در آمد نفت عربستان که تا حدود 11 میلیون بشکه نفت در روز است و نبود نظارت قانونی بر چگونگی خروج آنان سبب شده است حاکمان آن کشور با گشاده دستی کامل، ثروت ملی کشور را در راستای منافع خویش به مصرف برسانند و بوسیله آن در درجه اول کشورهای عرب و مسلمان و سپس دیگر کشورهای نیازمند جهان را به سوی خود جلب و از آن طریق اعتبار بین المللی برای خود کسب نماید. و با ایجاد صندوق سعودی برای توسعه که در سال 1974 تاسیس شد و امهائی با بهره کم در اختیار اعراب و کشورهای آفریقا، آسیا و امریکا لاتین که بیشتر این کمک ها نصیب کشورهای عرب و کشورهای مسلمان و وهابیت خیز مانند پاکستان و غیره شده است. در کتاب چالش های فکری و سیاسی وهابیت آمده: « کل میزان کمکهای خارجی عربستان که در سال 1978 نزدیک به 1 میلیارد و 500 میلیون دلار بود، در سال 1980 به 3 میلیارد و 300 میلیون دلار رسید». (19) حاکمان وهابی مثل رهبر شان محمد بن عبدالوهاب که از فقر مردم در ترویج تفکرات خویش سوء استفاده نمود با دادن این کمک ها افزون بر این که توان اقتصادی خود را به نمایش می گذارد به جلب حکومتهای کوچک و گاه فقیر منطقه می پردازند به گونه ای که در برخی موارد وابستگی اقتصادی رژیم های کم درآمد به عربستان، پیروی سیاسی و نظامی آنها را هم در پی دارد، بهترین نمونه این رابطه، روابط عربستان با یمن شمالی و بحرین است. لذا درآمد نفت یکی از ابزار های مهم تبلیغ وهابیت در جهان به حساب می آید. در این قسمت، علی اصغر رضوانی به بخشی از فعالیت های تبلیغی وهابی با بهره گیری از درآمد نفت، تنها در مدت یک سال آماری

را بدین شرح ارائه می دهد:

- 1- فعالیت 500 مبلغ در موسوم حج سال 1417 هـ. ق.
- 2- دعوت از 1000 چینی به عنوان میهمان در سال 1417 هـ. ق.
- 3- دعوت از 1400 حاجی از آسیای میانه به عنوان میهمان در سال 1418 هـ. ق.
- 4- تاسیس کتابخانه در دانشگاههای چین.
- 5- تبلیغ وهابیت در کنفرانس های جهان.
- 6- 2000 مبلغ و 290000 فعالیت تبلیغی در مدت یک سال.
- 7- 5200000 فعالیت تبلیغی در عربستان در سال 1418 هـ. ق.
- 8- 300 جلسه درس دینی در مساجد بحرین در ماه صفر 1418 هـ. ق و 3650 سخنرانی و درس دینی و نشر 41176 نسخه نشریه های دینی در سال 1417 هـ. ق.
- 9- 3789 مورد فعالیت تبلیغی و پخش 11698 نسخه از نشریه های گوناگون دردی.
- 10- 1418 سخنرانی و موعظه و نشر 13715 نسخه نشریه دینی در قطر.
- 11- 6000 فعالیت تبلیغی در فجیره امارات در ماه رمضان 1418 هـ. ق.
- 12- 165296 مورد فعالیت های تبلیغی در سال 1417 هـ. ق در پاکستان.
- 13- اعزام مبلغ در افغانستان، ایران، هند، نپال، موریتانی، بریتانی، پاریس و هلند.
- 14- 12990 فعالیت تبلیغی در بریتانیا در سال 1417 هـ. ق که شامل 10800 درس علمی در مدرسه ها، زندانها، بیمارستانها و . . . بوده است.
- 15- دوره آموزشی برای مبلغان اندونیزی.
- 16- دوره آموزشی برای طلاب تاتارستان.
- 17- دوره فشرده عربی برای روسای جمعیت ها و مراکز اسلامی ونزوئلا.
- 18- دوره فشرده برای مبلغان امریکای لاتین در آرژانتین.
- 19- دوره برای مبلغان قزاقستان.
- 20- دوره برای مبلغان در کنیا.
- 21- بر پای همایش مبلغان در تا یلند.
- 22- بر پای همایش مبلغان در سنگال.
- 23- بر گذاری دوره ای برای ائمه جماعات ومبلغان در غرب آفریقا.
- 24- بر گذاری دوره ای برای ائمه جماعات و مبلغان در قرقیزستان.
- 25- بر گذاری دوره ای برای ائمه جماعات ومبلغان در آمریکا.
- 26- برگزاری دوره ای تربیت مبلغ در اکراین.
- 27- تاسیس دانشسرای تربیت مبلغ در چین.
- 28- دیدار دبیر کل «رابطه العالم الاسلامی» با مسئولان سیاسی کشور ها.
- 29- رسیدگی به مسجد های بوسنی.
- 30- ساخت 104 مسجد در فلپین.
- 31- ساخت وترمیم 90 مسجد در بوسنی.
- 32- سهیم شدن در ساخت 1359 مسجد در جهان.
- 33- کمک به 300 مسجد در بلژیک.
- 34- برگزاری دوره ای تربیت مبلغ در روسیه.
- 35- فعالیت در دانشگاه مسکو.
- 36- اعطای بورسیه تحصیلی به 34 کشور.
- 37- ایجاد دانش سرای علوم عربی و اسلامی در توکیو.



- 38- 3891 دانشجوی فارغ التحصیل از دانش سرای علوم اسلامی و عربی اندونزی.  
39- به راه انداختن کاروانهای تبلیغی کردستان عراق.  
40- کمک رسانی به 100000 پناهنده آذر بایجانی.  
41- چاپ 321000 نسخه کتاب برای بوسنی. (20)

محمد حسین ابراهیمی در کتاب تحلیل نو بر عقائد وهابیان در این رابطه می نگارد: «بعد از فوت شیخ عقیده و آرای او با حمایت و پشتوانه سیاست های داخلی و خارجی به گونه ترویج و تبلیغ شد که در زمان حاضر بسیاری از حاکمان فعلی عربستان و بر خی از عالمان دینی و قضات شرعی در عربستان از او پیروی می کنند و بر خی کشور های دیگر اسلامی از قبیل پاکستان و بر خی از مردم حاشیه نشین ایران و افغانستان نیز تحت تأثیر این عقاید قرار گرفته اند. وهابیان این مسلک را در کشور های اروپایی و آمریکایی وقاره آسیا با ساختن مسجد و کتابخانه و نشر قرآن کریم و اعزام مبلغان دینی وامثال آن گسترش می دهند». (21)

### 5 انتشارات ضد شیعه

یکی دیگر از راه های تبلیغی وهابیون انتشار و پخش کتب حاوی اعتقادات و تفکرات وهابیت ضد شیعی است که مبالغ هنگفتی از ذخایر نفتی را در این مسیر به مصرف می رسانند و کتب مذکور را کهبه زبان های مختلف دنیا چاپ شده است پخش نموده واز موسم حج، استفاده برای رسیدن به اهداف شان از این طریق استفاده قابل توجهی را میبرند. جعفر مرادی یکی از کار شناسان بحث فرقه ها ونحله های اسلام چنین می گوید: از زمینه های عمده تبلیغی وهابیت، استفاده از موسم حج است. آنها افراد مناظره کننده فراوانی را تربیت نموده اند تا شبهات وهابیت را به زبانهای مختلف وچهره به چهره برای حاجیان کشور ها توضیح دهند وکتب وجزوات فراوانی به شکل هدیه به مردم میدهند و آرام آرام حاجیان را در سایه انحرافات خود شان در می آورند، که برخی آمار در این زمینه تکان دهنده است، مثلا در حج سال 1381 ده میلیون و ششصد و هشتاد و پنج هزار جلد کتاب (که اغلب ضدشیعی هستند) به 20 زبان دنیا در بین حاجیان رایگان توزیع شده است. (22) بر خی کتب که وهابیون علیه شیعه می نویسند با تیراژ بسیار بالای چاپ، ودر کشور های دیگر پخش می نماید، چنانکه علی اصغر رضوانی آورده است: یکی از روحانیون سر شناس شیعه در منطقه قطیف کشور سعودی در شب 12 رجب سال 1382 در مکه معظمه اظهار داشته است که اخیرا کتابی علیه شیعه نوشتند به نام «لله ثم تاریخ» و آن را در تیراژ بالایی چاپ وپخش کردند به طوری که با کامیون های بزرگ در منطقه قطیف و احساء در میان شیعیان به رایگان توزیع کردند و همین کتاب در سال 1380 در یک صد هزار تیراژ چاپ و آن را در کشور کویت توزیع کردند که یکی از معتمدین آن جا نامه ای به پادشاه کویت نوشت وگفت: اگر این کتابها توزیع شود کویت به لبنان دیگری مبدل خواهد شد. (23) همانطوری که ذکر شد کتاب دیگری به نام «جاء دورالمجوس» (زمانه مجوسیان آمد) را شخصی به نام عبد الله محمد قریب مصری نوشته است که در این کتاب منظور از مجوس ایرانیان هستند ودر این کتاب آمده است که انقلاب امام خمینی مجوسی و غیر اسلامی است. آنها عربی بودن را مساوی با اسلام میدانند و بعد ادامه می دهد: «این انقلاب کسروی است ومحمدی نیست». آنها شیعیان را پیروان کسروی می دانند (کسروی یک دیگر اندیش منحرف با عقاید موهوم بود که خودش با عقائدش به درک واصل شد). (24) وهمین طور کتاب های تهاجمی دیگری نوشته شده و بلا فاصله به فارسی ترجمه و به حاجیان فارسی زبان هدیه می شو د. در ماهنامه خبری شیعیان جهان به نقل از آیت الله نوری همدانی آمده است: «وهابیت به منظور براندازی شیعیان وتضعیف عقاید آنان پنج هزار کتاب در نقد شیعه منتشر کرده است ودر موسم حج سال 1381 بیش از یک میلیون نسخه کتاب بر ضد شیعه میان حجاج توزیع کرده

است». (25)

### 6) در انحصار قرار دادن مراکز انتشاراتی و کتابخانه ای

هر کشوری که متشکل از مذاهب مختلف و قومیت های گوناگون باشد با ید تمام آنها جهت پیشرفت و شکوفایی و کشف حقائق، از حقوق اسلامی و شهروندی خویش بر خوردار بوده تا بتوانند ازادانه ابراز نظرو تبادل افکار نمایند زیرا قبضه کردن گروهی خاصی ومحروم کردن دیگران، دور از عدالت اجتماعی ودستورات اسلامی و حقوق بین المللی است. در کشور عربستان فعلی متأسفانه این امر رعایت نشده وتمام مراکز انتشاراتی و رسانه ای منحصرأ در اختیار گروه حاکم (وهابیون) قرار دارند و دیگران در ازنزوا ومحرومیت قرار گرفته اند بطوریکه حتی حق هر گونه تحقیق و پژوهش که به نفع جر یان حاکم نباشد ممنوع و حتی مجرم شناخته می شود واز این طریق عقاید و اندیشه های دیگران را تضعیف وعقاید وهابیت را تبلیغ می نمایند. عباس جعفری می گوید: «حکام وهابی آل سعود تمام امکاناتی را که از استخراج بی حد وحساب نفت به دست می آید در راه تبلیغ حکومت استبدادی سعودی وآئین منحرف وهابیت بهره می گیرند. مهمترین مراکز فرهنگی و رسانه ای (رادیو، تلویزیون و مطبوعات) تلاش در معرفی نظام حکومتی آل سعودو آیین وهابیت به عنوان بهترین تشکیلات اداری و مذهب مورد علاقه مردم و هماهنگ با قرآن وسنت نبوی است». وی می افزاید: «هر گونه تحقیق و پژوهشی که با این بر نامه ها همسو باشد، تهیه، تنظیم، منتشر، نگهداری وتبلیغ می شود وهر گونه تحقیق وتالیفی که موافق با مذهب دیگران (به ویژه مذهب تشیع امامیه) باشد انحراف از دین وبدعت وکفر معرفی ومردم را از نزدیک شدن به آن منع می کنند». (26) در این قسمت برخی از آن مراکز انحصاری بطور اختصار آورده می شود:

الف) کتابخانه ها

در کشور وهابی نشین عربستان کتابخانه های زیادی با ارقام بالای ازکتب وجود دارد اما متأسفانه وهابیت ازاین کتاب خانه ها استفاده انحصاری می کنند اما وقتی مراجعین از کتابخانه های شیعه باز دید می کنند کتب اصلی ودسته اول سایر فرق مسلمین حتی وهابیت به وفور به چشم می خورد وبدون هیچ محدودیتی در اختیار همگان قرار می گیرد اما اگر یک مراجع شیعی ویا یک محقق در باره شیعه پژوهشی داشته باشد وبه این کتاب خانه ها مراجعه کند کتب ومنابع اصلی ودسته اول شیعی را پیدا نخواهد کرد و یا اگر پیدا شود به صورت تحریف شده وناقص خوا هد بود. علی محمدی آشنانی در کتاب شناخت عربستان به برخی از این کتابخانه ها اشاره ای دارد و چنین می نگارد: تعداد کتابخانه های عمومی عربستان در سال 1410 به 60 عدد افزایش یافت و در حال حاضر بیش از یک میلیون جلد کتاب در این کتابخانه ها موجود است. مهمترین کتابخانه های عربستان عبارتنداز:

1- کتابخانه شورای انگلیس: در سال 1970 تأسیس شد و دارای 9000 جلد کتاب و 59 مجله دوره ای است.

2- کتابخانه فرهنگی.

3- کتابخانه انجمن اداره عمومی: در سال 1962 تأسیس گردید و دارای 1/770/050 جلد کتاب عربی و انگلیسی، 669 مجله دوره ای و 951 نشریه دولتی است.

4- کتابخانه دانشگاه اسلامی: در مدینه منوره، در سال 1961 تأسیس شد و دارای 334/000 جلد کتاب، 26000، 897 پایان نامه، اسلاید و میکروفیلم است.

5- کتابخانه عمومی ملک عبدالعیزیز: در سال 1985 تأسیس شد و دارای 139/068 جلد کتاب [عربی] 22/293 جلد کتاب [اساساً انگلیسی] 872 مجله ادواری [عربی و غیر عربی] و دارای مجموعه ای از کتب تاریخی و کتب کمیاب مرجع می باشد.

6- کتابخانه دانشگاه ملک سعود: این کتابخانه دارای 1 میلیون جلد کتاب، 3000 نشریه ادواری، 86000 نشریه دولتی و تعداد زیادی کتب خطی کمیاب و مرجع است. و یک واحد مرکزی با 14 واحد فرعی دارد که سه واحد آن مخصوص دانشجویان دختر است. استفاده عموم از آن، به شرط ارائه معرفی نامه آزاد می باشد. در این کتابخانه تعدادی کتب ایرانی نیز موجود است که اکثراً کتب شعر عمر خیام، رودکی، سعدی و حافظ می باشد.

7- کتابخانه الحرم [مکه] با 6000 جلد کتاب.

8- کتابخانه مدرسه الحدیث [مکه].

9- کتابخانه اوقاف مدینه: کتابخانه عارف حکمت 6000 جلد کتاب، و کتابخانه محمودیه 2000 قرآن.

10- کتابخانه ملی ملک فیصل: در سال 1968 تأسیس شد و دارای 37/000 جلد کتاب به زبان عربی، انگلیسی و فرانسه است.

11- کتابخانه ملی ملک فهد: عملیات ساختمان سازی این کتابخانه در سال 1406 هـ. ق. آغاز و با صرف مبلغ 8 میلیون ریال سعودی در سال 1409 هـ. ق. به پایان رسید. مساحت کتابخانه یاد شده 58 هزار متر مربع است که شامل 30 هزار متر مربع پارک و فضای سبز و 28 هزار متر مربع بنای سه طبقه می باشد.

این کتابخانه در حال حاضر دارای تعداد 30 هزار مدرک و سند درباره تاریخ و توسعه کشور است و تا پایان محرم 1412 هـ. ق. نیز تعداد 275/332 سند در مخزن اطلاعات در بخشهای اطلاعات عمومی، کتبهای مرجع الف و ب، موجود بوده است. همچنین این کتابخانه دارای 21064 نسخه اصلی مدارک و 2500 تصویر مدارک می باشد که در مناطق مختلف کشور نگهداری می شود. در این کتابخانه سکه های ضرب شده در دوران امویان، عباسیان، اشکانیان، سامانیان، غزنویان، آل بویه، فاطمیان، سلجوقیان، ایوبیان، ایلخانان، مملوکیان عثمانی و همچنین سکه های برنزی مربوط به دوران قبل از اسلام ساسانیان و بیزانسی نیز وجود دارد. گفتنی است این کتابخانه مجهز به سالن مدارک، سالن کتب خطی و کمیاب، سالن سمعی و بصری، سالن مرکز اطلاعات و بخش جداگانه زنان می باشد.

12- کتابخانه دانشگاه امام محمد بن سعود

13- کتابخانه سرویس اطلاعاتی سازمان ایالات متحده [جده]: دارای 2000 جلد کتاب و 65 نشریه ادواری است.

14- مرکز اطلاعات سازمان استانداری عربستان سعودی

15- کتابخانه مسجد نبوی(27)

(ب) مراکز انتشاراتی

وهابیت در کشور عربستان مراکز انتشاراتی زیادی در اختیار دارد که بصورت فعال برای تبلیغ وهابیت کار می کنند. گفتنی است که قسمتی از فعالیت این مراکز اختصاص دارد به نشر کتب ضد شیعی ورد عقاید مذهب شیعی در جهان وبخشی از فعالیت آن ها مربوط می شود به نشر آثار وکتب پیشوایان شان مانند ابن تیمیه ومحمد ابن عبدالوهاب ودیگران، اما بخش قابل توجهی این مراکز پیرامون تفسیر قرآن وسنت نبوی با داعیه منحصر بودن تفسیر اسلامی از دید گاه علماء آنان با استدلال در دست داشتن سر زمین وحی وتسلط بر حرمین شریفین مشغول فعالیت اند. عباس جعفری در مقاله تحت عنوان «فرقة وهابیت و عملکرد آن در تاریخ معاصر» می نویسد: بیش از 117 مراکز انتشاراتی و چاپخانه در زمینه چاپ وانتشار کتاب ومجله در عربستان تا سیس شده که مهمترین آنها به شرح زیر است:

1- دارابن الجوزی، دمام.

2- موسسه اسام، الرياض.

3- مکتبه الاوس، المدینه.

4- مکتبه الباز.

5- دار الشروق للنشر والتوزيع، جدّه. و غیره. . . بخش مهمی از کتاب ها منتشر شده به زبان های عربی، انگلیسی، فارسی وارد است. در این چاپخانه ها غیر از کتب قدیمی پیشوایان سلفی گری مانند ابن تیمیه، ابن القیم، ابن کثیر، و محمد ابن عبدالوهاب، اختصاص به رد عقاید مذهب شیعه و دشمنی و ضدیت با آن، به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دارد که ناشران با دستور حاکمان وهابی با جدیت بسیار، آنها را به چاپ رسانیده و در داخل و خارج عربستان در میان مسلمانان و غیر مسلمانان (بیشتر به صورت اهدایی) توزیع می کنند و یکی از مهمترین مسائل که در در بیشتر این کتابها به چشم می خورد و نویسندگان وهابی آن را مطرح می کنند منحصر دانستن تفسیر اسلام و سنت نبوی به مرکز وحی (حرمین شریفین) و علما و ساکنان آن است و هر گونه عقیده و فکری را که خارج از محیط حرمین در سراسر جهان مطرح شود باطل می دانند. آنان با فرا خوانی متفکران و جهان اسلام با در اختیار گذاشتن امکانات (کتابخانه و بودجه) در راه این هدف تلاش می کنند. (28)

### **(7) استفاده از ابزار رسانه ای (مطبوعات، رادیو، تلویزیون، خبرگزاری ها و سایت ها)**

یکی از ابزار بسیار مؤثر برای تبلیغ و اطلاع رسانی ابزار رسانه است به ویژه در عصر کنونی که در عصر ارتباطات قرار گرفته ایم اهمیت این ابزار بیش از پیش برای ما محرز و آشکار می شود، حاکمان وهابی عربستان که این ابزار را در دست دارند برای تبلیغ و گسترش مذهب وهابی بطور بسیار فعال عمل می کنند. عباس جعفری در مقاله خویش در این رابطه چنین می نگارد:

1- مطبوعات: در کشور عربستان، همه مطبوعات در داخل و خارج کشور به زبان های عربی و انگلیسی با شمارگان بالا، زیر نظر دولت (وزارت تبلیغات) و با بودجه دولتی فعالیت می کنند. در واقع رسانه ها باز گو کننده خط فکری و سیاسی حاکم بر کشور هستند که دولت آن را ترسیم می کند. مهمترین روز نامه ها و مجلات عربی و انگلیسی عبارتند:

الجزیره، الرياض، المدینه المنوره، عکاظ، الیوم، البلاد، الشرق الاوسط، الحیات، المجله، المستقبل، الندوه، الدعوه، المجتمع، المسلمون، اخبار العالم الاسلامیه، الیمامه و. . . . Saudi Business, Arabian sun, News for Saudi Arabia, Saudi economic Surrey, Saudi Arabia Business Week. . Arab News

2- خبرگزاری (داخلی و خارجی) خبرگزاری داخلی در سال 1970 م تاسیس شده است و با عنوان عربی «وکاله الانباء السعودیه» و عنوان لاتین «SOPA» فعالیت می کند. - خبرگزاری اسلامی «IOPA»- خبرگزاری خارجی رویتر و آسوشیتدپرس.

3- رادیو و تلویزیون: رادیو و تلویزیون عربستان در سال 1967 م راه اندازی شده است وزیر نظر دولت به ویژه وزارت اطلاعات، قرار دارد و به زبان های عربی، انگلیسی، فارسی، فرانسوی، ترکی و اردو در جهت سیاست های فرهنگی، سیاسی کشور بر نامه های درون مرزی و برون مرزی تهیه و پخش می کند. فعالیت فرهنگی، رادیویی و تلویزیونی برای مردم آزاد نیست و تمام آنها طی فرمانی از اظهار نظر مطبوعاتی و رسانه ای ممنوع شده اند، ورود نشریات خارجی به دلیل انتقاد از بر نامه های حکومتی سعودی ممنوع است و اعضای حاکم بر کشور که همگی از خاندان سعودی و وابستگان آنان هستند، به شدت بر برنامه های رسانه نظارت دارند. (29)

4- سایت های فعال: بنا بر گزارش بعضی از سایت ها؛ وهابیت سایت های فراوانی را برای تبلیغ وهابیت در سراسر جهان راه اندازی کرده اند و آمار آن همچنان در حال افزایش است. در یکی از سایت ها با عنوان « پنج هزار سایت اینترنتی ابزار دست وهابیت » چنین آمده

است: یک روزنامه الجزایری در گزارشی پیرامون تبلیغ وهابیت و سلفی گری تکفیری بیان داشت: در حال حاضر بالغ بر 5 هزار سایت اینترنتی وجود دارد که به ترویج نظریات و عقاید گروه تروریستی القاعده و مبارزات مسلحانه می پردازند. اشاعه افکار به نقل از خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، این روزنامه الجزایری در گزارشی از افزایش سایت هایی که به ترویج و گروه تروریستی القاعده که بر پایه فرقه وهابیت پایه گذاری شده است، پرده برداشت. در این گزارش آمده است: «تاکنون 5 هزار سایت اطلاع رسانی برای تبلیغ این گروه تروریستی و تشویق به انجام عملیات تروریستی یا به زعم آنها مبارزات مسلحانه و جهاد وجود دارد که از آن به عنوان دستاویزی برای مبارزه با آمریکا بهره می برند. در ادامه بیان شده است: «مسئولان این سایت ها که خود را جهادگران سلفی می نامند از این حربه برای تبلیغ وهابیت و عملیات تروریستی بر ضد مسلمانان استفاده می کنند. این در حالی است که در سال 1998 تنها 12 پایگاه اینترنتی در این زمینه وجود داشت اما پس از حواث یازده سپتامبر و افزایش روند فعالیت این گروه، این تعداد در سال 2005 به 4800 سایت و در حال حاضر بالغ بر 5000 سایت اینترنتی است. (30) حسینی قزوینی در مجله پویا به نقل از ایت الله جعفر سبحانی می گوید: «براساس جدیدترین آمارچهل هزار سایت وهابی مشغول فعالیت علیه شیعه هستند». (31)

### 8) استفاده از دانشگاه ها

علم و دانش در دین مقدس اسلام جایگاه ویژه و برجسته دارد و عالمان و دانشمندان دینی از احترام و جایگاه رفیعی برخوردارند، خداوند در قرآن کریم می فرماید: «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات» (32) خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی که علم به آنها داده شده است درجات عظیمی می بخشد. خداوند در این ایه علم را در کنار ایمان قرار داده است که حکایت از مقام والای علم دارد. در تفسیر آمده است: اگرچه آیه در مورد خاصی نازل شده است ولی، با این حال، مفهوم عامی دارد و نشان می دهد آنچه مقام آدمی را نزد خدا بالا می برد دو چیز است: 1- ایمان 2- علم (33) مراکز علمی ودانشگاه ها سرمایه ارزشمند جوامع بشری بوده و ترقی و پیشرفت بشریت مرهون علم ودانش است. لذا حدیث معروف از پیامبر اکرم(ص) در باره طلب علم ودنبال کردن دانش است: دنبال علم باشید اگرچه در چین باشد ویا از گهواره تا گور دانش بجوید. حضرت برای طلب علم نه بعد مکانی می شناسد و نه طول زمانی، یعنی در هر کجا ودر هر زمان دنبال علم ودانش باشید. روشن است که این امتیازات زمانی مصداق دارد که علم مفید باشد واز آن سوء استفاده نشود ودر انحصار کسی یا عده نباشد. متأسفانه در عربستان، مراکز علمی ودانشگاه ها انحصاراً در خدمت جریان حاکم (وهابیت) قرار گرفته است واز آن به عنوان وسیله تبلیغی برای وهابیت استفاده می شود. عباس جعفری برای معرفی برخی از آن دانشگاه ها ونوع فعالیت آن می نویسد:

1- جامعه ام القرى مکه الکرمة: این دانشگاه در سال 1369ه. ق ابتدا به صورت دانشکده « الشریعه » تاسیس شد و در سال 1401 ه. ق با موافقت مجلس الوزراء به دانشگاه ام القریا تغییر نام داد. هدف از تاسیس این دانشگاه آموزش زبان عربی و گسترش فرهنگ اسلامی برای برادران و خواهران است و در شهرهای جده و طائف نیز شعبه دارد. دانشکده های « کلیة الشریعة »، « مرکز البحوث العلمیة »، « احیاء التراث الاسلامیة » مرکز البحوث النفسیة والتربویة «، « مرکز ابحات الحج »، « المرکز العالمی للتعلیم الاسلامی » و « معهد تعلیم اللغة العربیة » زیر نظر این دانشگاه فعالیت می کند. این دانشگاه تاکنون کتابها و مجلات متعددی را چاپ و منتشر کرده است.

2- الجامعه الاسلامیه بالمدينة المنوره: این دانشگاه در سال 1380 ه برای خدمت به جهان اسلام و کمک به آموزش و تربیت علماء، خطبا و سلفیان مذهبی در مدینه تاسیس شد و

تاکنون فعالیت های مهمی در زمینه چاپ و نشر کتاب و مجله انجام داده است. 3- جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه: این دانشگاه در سال 1394 هـ- با هدف خدمت به جهان اسلام در زمینه بحث های اسلامی و گسترش و تبلیغ آن در کشورهای گوناگون تاسیس شد. دانشکده های مهم « کلیة اللغة العربیة »، « کلیة اصول الدین »، « کلیة العلوم اجتماعیة »، « المعهد العالی للقضاء » و « مرکز البحوث » وابسته به آن هستند که مجلات و کتابهای گوناگون در زمینه اهداف خود چاپ و توزیع کرده اند.

4- جامعة الملك السعود: این دانشگاه از سال 1398 هـ. ق در زمینه ای مباحث تربیتی، اقتصادی، ادبی، اداری، بیمارستانی و سایر علوم فنی مانند زراعت هندسه بنیان نهاده و آثار و تالیفاتی گوناگون به زبانهای عربی و انگلیسی منتشر کرده است.

5- جامعه الملك عبد العزيز: این دانشگاه از سال 1405 هـ. ق تاسیس شد و در زمینه مباحث اقتصادی و اداری و آداب و علوم انسانی و زمین شناسی هندسه و مانند آن فعالیت می کند از مهمترین مراکز علمی این دانشگاه « مراکز ابحاث الاقتصاد الاسلامی » است که تاکنون 207 کتاب و 20 نشریه مهم منتشر کرده و با « سازمان کنفرانس اسلامی » نیز همکاری دارد. (34)

### 9) استفاده از مراکز فرهنگی

در هر جامعه برای تبلیغات و اشاعه فرهنگ آن کشور مراکز فرهنگی آن نقش بارز و جایگاه برجسته دارد، وهابیت نیز دارای مراکز فرهنگی مهمی هستند که برای اشاعه فرهنگ وهابیت و مقابله با عقاید و باورهای دیگران همچون زیارت، دعا، توسل، شفاعت، عزاداری و... از این مراکز استفاده می کنند. در فصلنامه فرهنگی - سیاسی پویا به معرفی برخی از این مراکز و فعالیت آنان چنین آمده است:

1- رئاسته ادارات البحوث العلمیه و الافتاء و الدعوة و الارشاد ( هیئة كبار العلماء )، در سال 1391 هـ. ق بدستور ملک خالد بن عبدالعزیز فرمانی خطاب به شیخ ابراهیم بن محمد آل الشیخ ( از نوادگان محمد بن عبدالوهاب ) صادر و قرار شد گروهی از علماء و دانشمندان وهابی عربستان گرد آیند تا ضمن بحث و بررسی ( بصورت گروهی ) و بدون توجه به مذاهب مشهور چهارگانه اهل سنت (حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی ) فتوای لازم برای احکام شرعی را صادر کنند و مردم نیز موظف به پیروی از آن می باشند و ریاست این اداره در سال 1395 هـ. ق به شیخ عبدالعزیز بن باز ( آل الشیخ ) واگذار شد.

2- رابطه العالم الاسلامی: این مرکز در سال 1962م توسط ملک سعود در مکه گشایش یافت و تا کنون 38 سال از تاسیس آن می گذرد و از پر قدرت ترین سازمانهای مذهبی در عربستان محسوب می شود.

وظائف مهم مرکز عبارتند از: آموزش های اسلامی، چاپ و توزیع قرآن و کتب اسلامی، آموزش زبان عربی، کمک مالی کشورها و اداره ها و موسسه های خیریه در سراسر جهان. مجموعه ای از مجامع و ادارات وابسته به این سازمان عبارتند از:

1- مجمع فقه اسلامی.

2- شورای عالی جهانی مساجد.

3- مؤتمر (کنفرانس) تربیت اسلامی.

4- جمعیت اسلامی جوانان.

این سازمان طی ده سال گذشته قریب یک میلیارد ریال صرف ساختمان بنا های اسلامی و ترویج اسلام سعودی نموده است و دولت عربستان مبلغ 35 میلیون ریال به سازمانهای خیریه، بیمارستانها و درمانگاه ها در خارج از کشور و 20 میلیون ریال برای نشر، حفظ قرآن کریم و ارشاد اسلامی کمک کرده است.

امروزه بیش از یک هزار مسجد و صدها مراکز اسلامی در سراسر جهان زیر نظر این سازمان مشغول فعالیت هستند. کمک های این مرکز در کشور های دیگر برای احداث 2 موسسه اسلامی، 1259 مسجد و 1069 مدرسه، 200 موسسه مذهبی، 134 دانشگاه، 41 درمانگاه، 76 بیمارستان و یک دانشکده جهان عرب در پاریس هزینه شده است. (35)  
عباس جعفری در ادامه می نگارد:

3- سایر مراکز و مؤسسات مذهبی: مؤسسات و سازمانهای دیگری که در عربستان به فعالیت های مذهبی - دینی و خیریه می پردازند عبارتند از:

- 1- هیئة الامر بالمعروف و النهی عن المنکر
- 2- الجماعة الخیریه لتحفیظ القرآن الکریم
- 3- مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف
- 4- الندوة العالمیه للشباب الاسلامی
- 5- المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه (36)

### 10) استفاده از احساسات مردم و سر دادن شعار جهاد با کافران

ندایی خدا پرستی و خدا جویی در فطرت هر انسانی وجود دارد اما گاهی ممکن است در اثر پیروی انسان از هوای نفس و همدمی با شیاطین انسی و جنی به این ندای فطری پاسخ داده نشود بلکه بجای حق پرستی و خدا پرستی به شرک و چند گانه پرستی کشیده شود، رسولان الهی آمدند تا برای شکوفایی این ندای فطری و بیداری وجدان انسان ها کمک نمایند و انسان ها را از ظلمت کفر و شرک و خود پرستی رهایی بخشید ه و بسوی مکتب توحید و خدا پرستی رهنمون باشند، از زمان طلوع اسلام مسلمانان که تحت تعالیم مکتب اسلام تربیت شده بودند با شرک و چند گانه پرستی و کفر و انکار حقیقت حساسیت داشته و برای مقابله با این پدیده از جان و دل برخاستند و در این راه از همه چیز گذشتند. وهابیت که از این حساسیت مسلمین بخوبی آگاه بودند برای جذب و همسو کردن مردم و نیل به اهداف شان از احساسات مردم با بکار گیری شعارهای همچون جهاد با کافران و مشرکان، بدعت زدایی از دین و دعوت به سوی اسلام حقیقی از دید گاه وهابی استفاده کردند و هنوز این ابزار را در دست داشته و انسان های زیادی را این دام گرفتار می کنند. در بعضی کتب شان صراحتا از این گونه تعبیر آمده است که مشرکان عصر ما از مشرکان عصر پیامبر بد ترند. محمد ابن عبد الوهاب در باره مسلمانان هم عصر خود می گوید: «و کثیر من اهل الزمان لا یعرف من الاله المعبودة الا هبل و یغوث و یعو ق و نسرا واللات والعزی و مناة؟ فان جاد فهمه عرف ان المقامات المعبودة الیوم من البشر والشجر والحجر ونحوها مثل شمسان و ادریس و ابوالحدیة و نحو هم منها»؛ (37) و بسیاری از اهل این زمان از خدایان پرستیده شده به جز هبل و یغوث و یعو ق و نسرا و لات و عزری و منات را نمی شنا سند. اگر فهم درستی داشتند می فهمیدند مقاماتی که امروز پرستیده می شوند، از بشر و درخت و سنگ و نحو این ها از خورشید و ماه و ادریس و ابو حدیده و نحو این ها، از قبیل عبادت همان بت ها هستند. وی می گوید: « شرک کفار قریش دون شرک کثیر من الناس الیوم. (38) درجه کفار قریش بسیار پائین تر از شرک مردم امروز است». در جای دیگر می گوید: «فاذا علمت هذا و علمت ما علیه اکثر الناس علمت انهم اعظم کفرا و شرکا من المشرکین الذین قاتلهم النبی». (39) هنگامیکه این مطلب را دانستی و دانستی آنچه را که اکثر مردم بر آند، می فهمی که کفر و شرک افراد این زمان بیشتر از مشرکینی است که پیامبر (ص) با آنان به قتال پرداخت. و ده ها تعبیر از این قبیل که وهابیت از آن استفاده نموده اند و عقاید دیگران را سر کوب و مردود دانسته و عقاید خویش را تبلیغ می نمایند. حامد الگار می نویسد: «ترجمة قران به زبان به زبان انگلیسی به وسیله محمد تقی الدین هلالی و محمد محسن قابل ذکر

است که در سال 1994م در ریاض چاپ واز طرف عبدالعزيز بن عبدالله بن باز مورد تأیید قرار گرفت. مترجمان، علاوه بر مطالب دیگر، در پایان ترجمه شان می گویند: ما دریافته ایم بیشتر کسانی که به دین اسلام می گروند معنی واقعی نخستین اصل اسلامی یعنی لا اله الا اله، محمد رسول الله را درک نمی کنند. آنچه در پشت این تعبیر زشت نهفته است مشرک شمردن اکثریت قاطع مسلمانان به وسیله وهابیان است». (40) سید محسین امین در کتاب تا ریخچه، نقد و بررسی وهابی ها می گوید: وهابی ها می گویند: مسلمانان بعد از ایمان کافر شدند و پس از یکتا پرستی مشرک گشتند یا اصلاً موحد نبوده و ایمان نداشته اند و از ابتدا کافر بوده اند بلکه بدتر از کفار! لذا کشتن آنها واجب و خون شان هدر و دارائی و اموال شان حلال می باشد و بنا بقولی می توان کودکان آنها را به بردگی گرفت. و به گفته صاحب خلاصة الکلام، وهابیان مسلمانان را ظرف ششصد سال یعنی پیش از ظهور محمد ابن عبدالوهاب، کافر و مشرک می دانند و گویند مسلمانان در این مدت بدعت ها گذاشته اند. آنها می گویند: مسلمانان قبور پیامبران، صالحان و دیگر اشخاص معمولی که برخی از آنها بد کار هم بوده اند ولی مسلمانان آنها را از اولیاء الله می دانند پرستش می کنند! و به همین علت مسلمانان همچون مشرکین قریش اند که بت های از سنگ و چوب را می پرستیدند و یا فرشتگان و پریان را پرستش می کردند و همچون نصاری هستند که عیسی و مادرش مریم را عبادت می کردند. مسلمانان از مرده ها طلب حاجت و کمک می کنند و آنها را برای کشف مهمات می خوانند و از آنان می خواهند که در حق شان شفاعت نمایند. آنها پیامبر را صدا زده و او را برای شفاعت نزد خدا می خوانند و برای او نذر کرده و قربانی می کشند و قبر او و دیگر پیامبران و صالحان را محترم می دارند و گنبد و بارگاه بر آنها می سازند و ضریح فراهم کرده و روی آن شال های پشمی می اندازند و پرده ها و پارچه ها روی آنها می کشند و چراغ روشن می نمایند و بدور آنها طواف می کنند چنانکه بت پرستان به اطراف بت ها می گشتند و برای ایشان نذر ها میکردند و آذین می بستند. مسلمانان برای این زیارتگاه ها روز های ویژه قرار داده اند و در آن روز خاص به طواف درو آن ها می پردازند و آنها را بوسیده و قبر را مسح می کنند و به قصد تبرک از خاک آنها بر میدارند و کنار آنها نماز می خوانند بلکه مقابر را نماز خانه قرار می دهند. مسلمانان به عزم زیارت این مکان ها حرکت می کنند و روی کاغذ ها جمله های متضمن حاجت و تقاضا بعنوان: « ای سرور من فلان حاجت مرا بر آور. . . » و همه این کارها و اعمالی که مسلمانان در مقابل مشاهده می کنند شرک است و عبادت صاحب قبر حساب می شود. (41) اولیویه کاره می گوید: «عقیده تکفیر و جهاد در سنت حنبلی به خوبی روشن است و علیه مسلمانان غیر حقیقی، فرق مختلف شیعیان افراطی و دیگر افراد مرتد بسیار شدید است. می دانیم که بنا بر اعتقادات اخوان که بطور غیر مشروط معتقد به تعلیمات عبدالوهاب و بالنتیجه ابن تیمیه هستند، کلیه مسلمانان بجز خود آنها، بخصوص اهل حجاز، شیعیان احسا، کویت و عراق، مسلمانان ماوراء اردن و سوریه هدف جهاد آنان به شمار می روند». (42)

### 11) اتهامات و نسبت های دروغین

اتهام و نسبت های دروغین و بکار بردن الفاظ زشت علیه دیگران به ویژه شیعه، یکی از روشهای دیگر وهابیون است تا از این طریق وجهه دیگران را در عالم مخدوش و تصویری بدی از آنها در جهان ترسیم کنند که این وسیله را از آغاز پیدایش شان الی کنون مورد استفا ده قرار داده اند، دیگران به ویژه شیعه را گاهی کافر و مشرک، گاهی مرتد و بت پرست و بد تر از آن می نامند. به عنوان شاهد علامه به نقل از رساله تطهیر الاعتقاد عن ادران الالحاد نوشته محمد بن اسماعیل یمنی صنعانی ( معاصر محمد بن عبدالوهاب ) : « هرگاه سؤال شود که قبوریون گویند: ما مشرک نیستیم و برای خدا شریک قرار نداده ایم و پناهندگی بر قبر اولیاء و انبیاء مشرک



نیست «در پاسخ می گوئیم: « آنان به زبانی سخن می گویند که در دلشان نیست اینان معنی شرک را نفهمیده اند چون تعظیم اولیاء و کشتن قربانی برای آنها و امثال آن همگی شرک است و این سخن شان فائده ای به آنها ندارد چون عمل شان سخن شان را تکذیب می کند». وی با مطرح کردن بحث جهل به شرک ادامه می دهد: « فقها در باب ارتداد گفته اند: اگر شخصی سخنی کفر آمیز بر زبان براند اگر چه معنای آنرا قصد نکند، کافر می شود و این هم خود دلیل آن است که آنها ماهیت اسلام و توحید را درک نکرده اند، پس کافرند؛ آنهم کافر اصلی نه مرتد. و کسی که شب و روز و آشکارا و پنهان و از روی ترس و طمع خدا را می خواند مع ذلک سپس دیگری را نیز می خواند، در پرستش خدا دچار شرک شده است». (43) حسینی قزوینی می گوید: وهابیت در کتابی به نام الشیعة و التقریب که چند سال جلو تر در عربستان سعودی نوشته شده، مؤلف آن مبانی وحدت و تقریب را مطرح می کند و در پایان می گوید: ما باید با مسلمانها وحدت داشته باشیم ولی شیعه را مسلمان نمی دانیم! اولین شرط تقریب با شیعیان این است که ثابت کنند که مسلمان هستند! شخصیت شماره دو علمی عربستان چندی پیش بطور رسمی اعلام گرد که من فتوای دهم که شیعیان به چند دلیل کافر است: اول این که اینها قرآن را تحریف شده می دانند، دوم این که صحابه و سنت پیامبر را قبول ندارند، سوم به اهل بیت متوسل می شوند، بنابر این شیعیان عضو امت اسلامی نیستند. در عربستان یک هیئت عالی وجود دارد که در راس آن مفتی اعظم عربستان است و ازین هیئت بطور رسمی اعلام کرده که امکان تقریب با شیعه وجود ندارد همان گونه که تقریب با یهود و نصارا برای ما امکان پذیر نیست بر همین اساس است که عبدالمالک ریگی در ایران شاخه نظامی وهابیت را ایجاد کرده و جنگ مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی به عنوان مظهر حکومت شیعی و کشتن شیعیان را واجب و وسیله رسیدن به بهشت اعلام می کند. زر قاوی - رهبر وقت شاخه نظامی وهابیت در عراق - دو ماه قبل از هلاکت، رسماً اعلام کرد که دشمن واقعی ما امروز امریکا و اسرائیل نیستند بلکه شیعیان هستند. در جنگ سی و سه روزه حزب الله لبنان با صهیونیسم، سه تن از رهبران فکری و دینی وهابیت فتوا دادند که هرگونه مساعدت به حزب الله حرام است چرا که اینها در حقیقت جسم شیطان هستند! حتی دعا کردن برای پیروزی حزب الله را گناه کبیره دانستند. (44)عباس جعفری در فصلنامه پویا به نقل از علمای اهل تسنن می گوید: محمد بن عبدالوهاب اگر می خواست کسی را وهابی کند، می گفت باید چند شهادتین را جاری کنی، اگر این شهادت ها را به زبان می آورد، او را مسلمان تلقی می کرد وگرنه گردنش را می زد! می گفت باید شهادت بدهی که

1. کافر بودی وبا ورود به این مذهب مسلمان شدی؛
  2. پدر و مادرت در حال کفر از دنیا رفته اند وحق استغفار برای آنها را نداری؛
  3. تمام علمای اسلامی به حال کفر از دنیا رفته اند و حق طلب مغفرت به آنها را نداری؛
- (45)گاهی یک سری عقاید و افعال مضحک و بی اساس را به شیعه نسبت میدهند که هیچ احمقی این کارها را انجام نخواهد داد واز این رو میخواهند چهره شیعه را در دنیا مخدوش و منفور جلوه داده و عقاید خویش را در جهان تبلیغ نمایند که برخی از آنها به عنوان نمونه ذیلا ذکر می شود: شیعه اجازه می دهد که در اطراف مرقد های امامان شان طواف کنند و بجای خانه خدا به حج شاهد مشرفه بروند و شیعه ها قربانی ها و نذورات خود را به پیغمبر و امامان خویش تقدیم می دارد. شیعه ها قبور پیغمبر و ائمه خویش را مسجد می دانند و آنها را پرستش می کنند همچون کعبه روبروی آنها به نماز می ایستند. (46) یکی از اتهامات معروف شان این است که در میان عامه شان از دیر زمان این باور را رائج کرده اند که تمام شیعیان هنگامی که مراسم حج را به جا می آورند هدفی پنهانی را در سر می پروراند و آن آلوده کردن

کعبه مقدس با مدفوع انسانی است، در واقع چنین ادعا می شود که دست کم یک شیعه در چند دهه پیش به این جرم اعدام شده است (47) جعفر مرادی در فصلنامه فرهنگ پویا آورده است: قفاری یکی از اساتید دانشگاه های مدینه، در کتاب « اصول مذهب الشیعه الامامیه » آورده است: امام خمینی اسمش رادر اذان نماز ها داخل کرده است و حتی از اسم پیغمبر اکرم هم پیش انداخته است. پس اذان نماز در ایران بعد از این که (امام) خمینی به قدرت رسید در تمام استان ها و شهر های شان این گونه است: الله اکبر الله اکبر خمینی رهبر اشهد ان محمد رسول الله. (48)

### 12) نشر کتاب های دروغین

یکی از ابزار تبلیغ وهابی ها نشر وانتشار کتاب های دروغین علیه مذاهب وفرقه های اسلامی است و برای تبلیغ وپیشبرد اهداف شان، دست به مقابله با کتب شیعه و برخی اهل سنت برده ویا حذف برخی عبارات ویا جایجایی بعضی کلمات اهداف شان را دنبال می کنند. یکی از کارشناسان بحث فرقه ها ونحله های اسلام می گوید: اولین روش وهابیت برای جذب نیرو و تضييع شیعه، مبارزه با کتابهای شیعه است. شیعیان بیش از همه مذاهب بلکه همه ادیان به گفتمان و استدلال عقلی می پردازد، وهابیت کتابهای را علیه شیعه در چاپخانه های اهل سنت به چاپ می رسانند و با تهدیدات فراوانی در بین اهل سنت پخش می کنند. عده ای متوجه این قضیه می شود اما دستگاه رسانه ای وهابیت آنقدر با بوق و کرناى قوی عمل می کنند که این تک صداها به گوش جهانیان نمی رسد، آنها همچنین در کتابهای اهل سنت دست برده و آنها را بصورت تحریف شده چاپ و منتشر کرده اند. حمایت های مالی بسیاری هم از این گونه کتابها می شود و در مواردی بسیاری به چاپخانه ها هم کمک کرده اند تا این کتابها را با قیمت ارزان در دسترس دیگران قرار گیرد. همین طور کتابها را خریده و بصورت رایگان به کتابخانه های بزرگ دنیا اهدا کرده اند تا کتابی که در کتابخانه اهل سنت است تحریف شده باشد. به عنوان مثال تفسیر روح المعانی شیخ محمد آلوسی را - با آنکه فردی شیعه ستیزه بود - پس از حذف تمام احادیثش که رنگ و بوی مبارزه با وهابیت داشت، چاپ کرده اند چون او روایاتی را نقل کرده که می تواند در تمجید فضایل اهل بیت (ع) یا نقد تفکر وهابیت مورد استفاده قرار گیرد. کتابهای دیگری در مکه چاپ شده است که به شدت علیه شیعه است در بین کتاب نوشته شده: قال علی ابن موسی الرضا: نحن ابناء الله، علی ابن موسی الرضا گفت: ما پسران خدا هستیم آدرس آن را هم اصول کافی ج 3 چاپ تهران ذکر کرده است. با مراجعه به این کتاب می بینیم از ریشه دروغ است در اصول کافی به نقل از حضرت آمده: نحن امناء الله، ما امین های خدا هستیم اما وهابیان در مقام تحریف « م » را به « ب » تبدیل کرده اند و نوشته اند: ابناء الله. وی می افزاید: در ادامه این تحریف ها ودست بردن درمنابع اسلامی، کار دیگر آنها گزینش و خلاصه کردن کتاب هاست و دقیقاً چیز های حذف می شوند که در تمجید از اهلبیت عصمت وطهارت (ع) و یا دال بر طعن نسبت به ابابکر وعمر وعثمان و خلفا هستند. (49) هم چنین بنا بر نقل برخی از سایت ها وهابی ها کتاب های را به نام برخی از بزرگان شیعه مانند آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله جعفر سبحانی و سید عبدالها دی حسینی چاپ نموده اند ودر بین مردم توزیع کرده اند در حال که این بزرگواران از ان اطلاعی ندارند. خانم ابراهیمی آورده است: « اخیراً وهابیان کتاب های را به نام علامه عسکری و آیت الله جعفر سبحانی چاپ ودرمدینه وبقیع توزیع می کننددرحال که این بزرگواران صاحب این تالیفات نیستند». (50)

### 13) تحریف متون و تقطیع کتابها

یکی از ابزار های تبلیغی وهابیان تحریف کتاب ها ومنابع حدیثی و تفسیری و تاریخی مسلمانان است. اگر روایات و یا کلماتی که در این گونه کتابها بر ضد آنان آمده باشد آن را تحریف نموده و

چاپخانه هارا سفارش به حذف آن نموده و از متن کتابها بر می دارند به همین منظور با چاپخانه ها ارتباط بر قرار کرده و شریک می شوند و کتابهای تحریف شده را با قیمت ارزان و یا بطور مجانی در بازار و اختیار مردم عرضه می دارند. علی اصغر رضوانی به نقل از محمد دیرثوی می گوید: «تحریف وحذف احادیث از کارهای دایمی و همیشگی وهابیان است؛ به عنوان نمونه، نعمان آلوسی تفسیر پدرش شیخ محمود آلوسی را به نام روح المعانی تحریف نمود، و مطالبی را که به ضرر وهابیان بود حذف کرد و اگر این تحریف نبود تفسیر او نمونه تفاسیر محسوب می شد». (51) آنان در برخی موارد اشتباهات و یا مناقب اهلبیت (علیهم السلام) را چینی تحریف می کنند که بجای کلمات حساس و سرنوشت ساز، نقطه چین گذاشته و از پیش چشم خواننده بر می دارد و یا کلمات را تغییر می دهند تا معنایی دیگر از ان فهمیده شود ویکی از شیوه های تحریف شان نیز تضعیف احادیثی است که با عقاید شان سازگاری ندارد. (52) همچنین آنان به بهانه مختصر و مفید کردن برخی کتابها و متون اصلی دست به اختصار مغرضانه و گزینشی می زنند و این گونه حقایق را تحریف می نمایند.

#### 14) آتش زدن کتابخانه ها و منابع علمی

فجیع ترین کار های که وهابیت مرتکب شد و لکه ننگ آن را در پیشانی شان باقی گذاشت از بین بردن منابع و آتش زدن کتابخانه ها بود، آنان کتابخانه بزرگ «المکتبه العربیه» را که بیش از 60 هزار عنوان کتاب گرانقدر و کم نظیر و بیش از 40 هزار نسخه خطی منحصر به فرد داشت که در میان آن ها برخی از آثار خطی دوران جاهلیت و قرار داد یهودیان با کفار قریش بر ضد رسول خدا (ص) بود به آتش کشید در این میان که آثار خطی حضرت علی (ع)، ابابکر، عمر، خالد بن ولید و طارق بن زیاد و برخی از صحابه پیامبرگرمی (ص) و قرآن مجید به خط عبدالله مسعود بود نیز تبدیل به خاکستر شد. در همین کتابخانه انواع سلاح های رسول اکرم (ص) و بت های که هنگام ظهور اسلام مورد پرستش بود؛ مانند «لات» و «عزی» و «هبل» نیز وجود داشت از بین رفت. مورخان نقل کرده اند که وهابیان این کتابخانه را به بهانه وجود کفریات در آن به آتش کشیدند و با خاکستر یکسان کردند. (53)

#### 15) فتوای شدید اللحن

علماء وهابیت بارها فتوا های بسیار شدید و تند را علیه شیعه صادر کرده اند و مذهب شیعه را یک مذهب دست ساخته یهودی، مجوسی و مسحیت و مبتنی بر یک سری احادیث جعلی و عقاید پوچ می دانند آن را غیر مسلمان و خطر ناک برای اسلام و غیر قابل سازش میدانند. فؤاد ابراهیم در این رابطه در نشریه پگاه چنین می گوید: اگر چه انشقاق شیعه و سنی به تاریخ صدر اسلام و مسئله جانشینی پیامبر (ص) باز می گردد، ولی ابن تیمیه نیز در این جریان نقش مهمی ایفا کرد. وی پیشگام جدلیون سنی بود و اعتقادات شیعی را به شیوه نظام مند و با شدت تمام مورد انتقاد قرار داد. علمای وهابی با الهام از آثار ابن تیمیه شیوه وی را در اهانت و توهین به شیعیان در پیش گرفت، به واسطه تبعیت وهابیون از شیوه جدل ابن تیمیه، انشقاق و اختلاف مردم عربستان و بطور کلی مسلمین جهان عمیق تر شدند. در دهه 1950 و 1960 م با تلاش علمای بر جسته اهل تسنن و شیعه اختلاف شیعه و سنی کمرنگ تر شد و درین رابطه مجموعه نشست های در قاهره برگزار شد، در حالی که علمای وهابی موضع گیری اهل سنت و شیعیان برای مصالحه و سازش را به شدت مورد حمله قرار دادند. برخی از علماء وهابیت را به عنوان عامل اصلی انشقاق و اختلاف در جامعه اسلامی بر می شمارند. برخی دیگر این فرقه را تهدید برای اتحاد ملی عربستان و مسلمین سراسر جهان می دانند. دکتر «محمدالباهی» اندیشمند بر جسته سنی معتقد است وهابیت شکاف بین شیعه و سنی را عمیق تر نموده که این امر تاثیر منفی موضع گیری وهابیون را بر می تاباند. (54) «پان

ریچارد « معتقد است که یکی از چیزهای که مانع همزیستی مسالمت آمیز بین شیعه و سنی بر شمرده می شود وجود فرقه وهابیت و تفکر آنهاست. حمید عنایت نیز وهابیت را بزرگترین چالش شیعیان از صدر اسلام دانسته است. (55) در بین مردم عربستان نیز مواضع سیاسی و دیدگاه وهابیون نسبت به شیعیان که در آثار آنان منعکس می شود مایه ای اختلاف و تفرقه بر شمرده می شود. فؤاد ابراهیم می گوید: کتاب تبذیر الظلام و تنبیه النیام الی خطر شیعه و التشیع علی المسلمین و الاسلام نوشته یکی از جدلیون بر جسته وهابی به نام « ابراهیم الجبهان » که با هزینه نهاد مال دینی وهابی منتشر شد، نمونه ای از این آثار تحریک آمیز است. این کتاب در اواسط دهه 1970 م منتشر شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال 1979 م در سطح گسترده داخلی و خارج از عربستان توزیع شد. تحصیلات نویسنده این کتاب بسیار در سطح پایینی است وی از یک دانشگاه دینی فارغ التحصیل نشده و هیچ اثر دیگری نیز تالیف نکرده است. با وجود این کتاب وی مورد استقبال جامعه وهابیون قرار گرفت و در خلال سالهای 1976 تا 1988 م نه بار تجدید چاپ شد. هدف اصلی این نویسنده نفی و تقبیح شیعیان است وی در اثر خود ادعا کرده است که یهودیان در راستای اهداف خود تشیع را بنیان نهاده است. (56) وی در مورد سطح علمی و نظرات این جدلی (ابراهیم الجبهان) بر جسته وهابی و همچنین نظرات و آثار و برخی دیگر از علماء و جدلیون وهابی می افزاید: الجبهان به خلاف مفهوم متعارف رافضی آنرا به معنای « کسانی که اسلام را بطور کلی نفی می کنند » تعبیر نموده است. وی تشیع را به عنوان یک نظام عقیدتی مهم مبتنی بر احادیث فاسد و بی اعتبار و مجموعه از اندیشه های باطل و پوچ معرفی کرده است. از نظر وی تشیع مذهب جدیدی است که از فرقه های مجوس، مسیحیت و یهودیت مشتق شده است و این مذهب استبدادی و طاغوتی، آفت و بلایی است که توسط مراکز یهودی و فراماسونری، یاوه گوینان، شیادان و احمقان ساخته شده است. آنان که در مورد کفر و بی ایمانی شیعیان تردید دارند مانند شیعیان مجوسی هستند. در واقع این انگ ها و نسبت های ناروا و بی پایه چیزی جز تکرار تهمت های عالم ضد شیعه مشهور ابن تیمیه نیست. جدلیون وهابیون با الهام از ابن تیمیه همین تهمت ها را نسبت به شیعه روا داشتند. « محب الدین الخطیب » در مصر و « احسان اللهی ظاهر » در پاکستان از جدلیون مشهوری بودند که ادبیات جدلی وهابی را ترویج کردند. وهابیون در اواسط دهه 1950 م به منظور منع از مصالحه و سازشی شیعیان و اهل تسنن و برای اثبات سازش ناپذیری شیعه و سنی، اثر الخطیب بنام « الخطوط العریضه » را منتشر و توزیع نمودند، زیرا الخطیب در این کتاب تشیع را دینی کاملاً متفاوت با اسلام معرفی کرده بود. بدین ترتیب علمای وهابی هرگونه مصالحه و سازش شیعه و سنی را نفی کردند. یکی از علمای افراطی و تندرو سعودی بنام شیخ بن جبرین با الهام از الخطیب در ین رابطه چنین می گوید: « آنان که هنوز در مورد رافضی بودن شیعیان تردید دارند باید اثر الخطیب بنام « الخطوط العریضه » و آثار « احسان اللهی ظاهر » و « غفاری » را در مورد عقاید و آرای شیعیان مطالعه کنند. شیخ بن باز، مفتی اعظم عربستان سعودی نیز معتقد است تشیع دینی متفاوت و مجزا از اسلام است و همانگونه که مصالحه اهل تسنن با یهودیان مسیحیان و بت پرستان امکان پذیر نیست سازش شیعیان و رافضیان نیز غیر ممکن است. (57) محمد خالد الحداس، از اساتید دانشگاه اسلامی مدینه درین رابطه می گوید: وهابیون با شیعه سازش نمی کنند و چون اختلاف این دو گروه از مبانی و اصول دینی نشأت می گیرد این مصالحه بی پایه و اساس است. وهابیون بر اختلافات اساسی بین شیعه و سنی تاکید می کنند و در آثار ضد شیعی آنان دو مقوله سب و رفض به عنوان مهمترین موضوعات تحریک آمیز معرفی شده و معنی رفض را نفی خلفای سه گانه، اصحاب و همسران پیامبر به ویژه عایشه دختر ابابکر و حفصه دختر

عمر سب و نفی مشروعیت خلافت خلفای سه گانه می دانند. (58) وهابیون افراطی شیعیان را دشمن می پندارند و با آنان به مشابه یک دشمن رفتار می کند در سال 1991م عبد الله بن عبد الرحمن الجبرین یکی از اعضای وقت شورای عالی علماء فتوای صادر کرد که بر بنای آن شیعیان مرتد معرفی شده است و ریختن خون آنان را مباح و دانسته است وی در ژانویه 1994 م در پاسخ به سوالی در خصوص نماز شیعیان در مساجد سنی فتوایی صادر کرد و طی آن تصریح کرد که شیعیان دشمن هستند و به دلیل دروغی که به خدا بستند در جنگ با خدایند. وی در فتوایی دیگر همان سال در پاسخ به سوالی درباره نحوه برخورد با شیعیان در محل کار گفت: نشان دادن انزجار، بیزاری و تنفر نسبت به آنها ضروری است و تلاش برای انقیاد و سرکوب آنها اولی است. (59)

### 16) اعمال تبعیضات داخلی

یکی از حربه های که وهابیون برای تبلیغ وهابیت استفاده می کند اعمال تبعیض است که این امر، در عربستان سعودی متأسفانه به شدت اعمال می گردد و وهابیت سایر فرق به ویژه فرقه شیعه را در تنگنا و محرومیت قرار دادند تا از این طریق آنها مجبور شوند مذهب وهابیت را بپذیرند به عبارت دیگر استفاده از حق شهروندی بدون تمایز یک شیعه، در عربستان، منوط به اختیار مذهب وهابیت می باشد. که ما ذیلاً به برخی موارد آن اشاره می نماییم:

الف) تبعیض در بُعد آموزش

یکی از تبعیضات که در کشور عربستان بر علیه شیعیان از طرف وهابیون شدیداً اعمال می شود تبعیض در مدارس و دانشگاه ها است بطور که روحیه آن هادایما با الفاظ و تعابیر زشت معلمین وهابی شان درادیت، ونظرات وآثار علمی شان قربانی تعصبات متحجرانه وهابیت می شود. بهزاد احمدی در این رابطه می نویسد: از بعد آموزشی در مدارس و دانشگاه ها نیز درجات بالای تبعیض قابل مشاهده است. دانشجویان شیعه از تعصب و خصومت آشکار اساتید وهابی که مرتباً آنها را به عنوان کفار، مشرک یا رافضی می خوانند در عذابند، آنها در دانشگاهها به سختی پذیرفته می شوند و به عنوان کادر اجرایی یا آموزش استخدام در نمی آیند. در مقاطع تحصیلی تکمیلی بخصوص در دانشگاههای علوم دینی نظیر دانشگاه محمد بن سعود یا دانشگاه اسلامی در مدینه دانشجویانی که پایان نامه خود را علیه شیعیان بنویسد تشویق شده و پایان نامه های آنان را با هزینه دولت چاپ و منتشر می شود. (60) در بعد آموزش دینی نیز وضعیت بسیار تبعیض آمیز و طالبانه است رژیم سعودی آموزش دینی را از پایین ترین سطوح تا سطوح عالی آنچه در مراکز دولتی و چه در مراکز خصوصی تحت نظارت و کنترل خود دارد و روحانیون شیعه حتی اجازه ندارند که به شکل خصوصی به آموزش آموزه های شیعه بپردازد. ازین رو بسیاری روحانیون تحصیلات خود را در عراق یا ایران می گذرانند و به عربستان باز می گردند. (61)

ب) تبعیض از بُعد دینی و اعتقادی

در کشور تحت حکومت وهابیون عربستان آزادی دینی و اعتقادی وجود ندارد به طور که اقلیت های مذهبی آن سرزمین ولو اصالتاً مال همان مرزوبوم باشند نمی توانند مراسمات دینی و عنعنات مذهبی شان را بطور آزاد بر گزار نمایند. شیعیان عربستان که حتی قبل از ظهور وهابیت بلکه از همان زمان طلوع اسلام در آن سرزمین ساکن بودند، در زمان حاضر از آزادی دینی و اعتقادی برخوردار نیستند. نویسندگانی به نام های کراهام ای. فولر و رند فرانکه در مقاله تحت عنوان «شیعیان عربستان سعودی» می نویسند: شیعیان عربستان سعودی به لحاظ مذهبی در معرض تبعیض دینی نظام مند رسمی و قانونی قرار دارند. آنها تنها شیعیان جهان اسلامند که بطور رسمی مسلمان بودنشان انکار می شود. در سال 1927 م علمای رده

بالای سعودی فتوایی صادر کردند که دلیلی بر کافر بودن شیعیان داشت یعنی محکومیت آنان به عنوان افرادی مرتد و کافر، که سطوح مجازات مرگند. این اعلامیه بیان می کرد که شیعیان حق ندارد اعمال دینی شان را بجا آورد و اگر این تحریم را زیر پا بگذارند باید از سرزمین مسلمانان تبعید شوند. در سال 1991م یک عالم رده بالای شان بنام بن جبرین با صدور فتوایی دوباره بر کافر بودن شیعه تاکید کرد با صدور چنین حکمی کشتن آنان از لحاظ فقهی غیر مشروع نخواهد بود. (62) در جای دیگر می افزایند: به گفته شیعیان آنان اجازه ندارند هیچ نوع آثار نوشته شده ای مذهبی در باره تشیع در اختیار داشته باشند و در صورت تلاش برای وارد کردن چنین آثاری باز داشت می شوند. اذان به شکل شیعی اش مجاز نیست و باید به روش سنیان مطابقت داده شود. پلیس اخلاقی ( مطوعین ) اغلب در خیابانها برای شیعیان ایجاد مزاحمت می نمایند. خوردن غذای شیعیان در مراسم بزرگداشت روز عاشورا بطور رسمی برای سنی ها ممنوع است. و وهابی های افراطی گوشتی را که شیعیان ذبح کرده باشند نمی خرنند چرا که آنرا « نجس » می دانند. بر اساس عرف وهابی، مردان شیعی نمی توانند با زنان سنی ازدواج کنند. (63) مهدی بهرام شاهی در نشریه پگاه آورده است: «در سال 1927 م علمای وهابی فتوای صادر کردند که به موجب آن شیعیان ملزم می شدند اعتقاداتشان را ترک نموده و به وهابیت بگردند، پس از صدور این فتوا اقدامات خشونت آمیزی علیه شیعیان صورت گرفت و وهابیون تلاش کردند حسینیه ها و مساجد را بر چینند و لی به علت پایداری و مقاومت شیعیان تلاش وهابیون ناکام ماند»(64). وی در ادامه می نویسد: اسماعیلیه ها مصمم شدن مانند شیعیان امامیه شرقی عربستان مراسم سوگواری شهادت امام حسین(ع) را بطور علنی بر گذار کنند که این تصمیم واکنش حکومت وهابیون را در پی داشت این حرکت اسماعیلیان با تشدید فعالیت های تبلیغی وهابیون در منطقه مقارن بود، وهابیون تمام تلاش خود را بکار گرفتند تا اسماعیلیان را به کیش خود در آوردند، به علت نا مناسب بودن شرایط جامعه عربستان برای فعالیت گروهی و اجتماعی شیعیان نتوانستند به طور رسمی خود را سازماندهی کنند. بنا بر این علت اتخاذ این رویه نبود آزادی بیان وعقیده در کشور عربستان است. (65) و در کتاب جامعۀ شیعة نخاوله در مدینه منوره می نویسد: یکی از علمای وهابی به نام ناصر بن سلیمان العمر در بارۀ وضعیت شیعیان در عربستان و فعالیت شان گزارشی را برای عبدالله بن باز تهیه کرده ودر آن می نویسد: حضرت شیخ عبدالله بن باز (حفظه الله) وحضرات گرامی اعضای کبارالعلماء سلام علیکم. به استناد حدیث نبوی «الدین نصیحة» بر خود واجب می دانم در این یاد داشت شما را نسبت به رافضیان وفعالیت های آنان و اهداف پنهان وخطر ناک شان با خیر سازم. سروران: من این حقایق را در اختیار شما می گذارم و شما خود می دانید برای برائت ذمه وکمک به مسلمانان چگونه عمل کنید آشکار است:

الف - چراغانی، نصب پلاکارت، بر گزاری سخنرانی، توزیع شیرینی در حسینیه های قطیف و احساء به مناسبت های خاص مانند عید غدیر یا تولد این امام و آن امام.

ب- ساختن حسینیه و گذاشتن بلند گو ها در آن.

ج- بیشتر رافضیان هنگام حضور درمسجد نبوی کتا بهای متعلق به مذهب خود را به همرا داشته ودر آن جا می خوانند. (66) بهزا د احمدی در مقاله با عنوان «جامعه شیعی در عربستان سعودی» می نویسد: در حال که عربستان بیش از 37850 مسجد دارد و تاکنون بیش از 1600 مسجد در سراسر دنیا ساخته است شیعیان عربستان حق ندارد مسجدی برای خود بنا کنند و تاریخ ساخت محو دو مساجد بوجود نیز به زمان حکومت عثمانی ها باز می گردد. علاوه بر این بسیاری از مساجد و حسینیه های شیعیان در شهرهای مختلف شیعه نشین تخریب شده و شیعیان خانه های خود را بطور مخفی به مسجد و حسینیه تبدیل کرده

است. مساجد شیعیان در روزهای مراسم مذهبی توسط پلیس بسته می شود و شیعیان حق ندارند، در شهرهای چون قطیف، حتی مراسم جشن عروسی خود را در هتل ها یا اماکن عمومی برگزار کنند. (67)

ج) تبعیض فرهنگی

در نظام آموزش و پرورش نیز تعالیم وهابی بر شیعیان تحمیل می شوند آنها نه تنها اجازه تعلیم تشیع را ندارند بلکه مجبورند آموزه های وهابی را که مشتمل بر تقبیح رسمی و تحریم تشیع هستند فرا گیرند در درس تعلیمات دینی که بخش مهمی از برنامه آموزشی مدارس از دوره ابتدایی تا دبیرستان است تنها وهابیت تعلیم داده می شود و تشیع آشکارا حتی در مناطق شیعه نشین محکوم می گردد. کتب درسی دینی بر عقاید متحجرانه وهابی تاکید می ورزند و آن دسته از عقاید اعمالی را که با وهابیت ناسازگار باشد کفر و شرک می خوانند. مدارک زیادی گواهند که بر خی از دانش آموزان بویژه دختران نوجوان بر اثر تبلیغات مذهبی ضد شیعی دست از تشیع کشیده اند از این روست که شیعیان نگران از دست دادن فرهنگ و هویت شان هستند و بیم آن دارند که در فرهنگ تحمیلی حکومت جذب شوند، فرهنگی که از جمله اهداف تضعیف تشیع به عنوان یک مذهب و سنت است. (68)

د) تبعیض در تصدی و اجرای قانون

در سرزمین عربستان شیعیان از حقوق قانونی بدون تبعیض به عنوان یک شهروند عربستانی بر خوردار نیست و تبعیضات در تصدی پست ها و مناصب دولتی و اجرای قانون علیه شیعیان اعمال می گردد. کراهام ای فولر و رند فرانکه در مقاله خویش می نویسند: «شیعیان از تمامی مشاغل مهم حکومتی محروم اند و حتی در امور مربوط به مناطق خود نیز از حق خود مختاری و خود گردانی بر خوردار نیستند و برای شیعیان دست کم پنجاه در صد دانشگاه ها و موسسات تحقیقاتی ممنوع است در دادگاه به شیعیان اجازه شهادت داده نمی شود و علاوه بر آن جایگاه شیعیان با سنیان در دادگاه برابر نیست. در دادگاه های سعودی هیچ قاضی شیعه ای وجود ندارد». (69) بهزاد احمدی در نشریه یگانه می نویسد: «از مظاهر تبعیض آشکار این است که تا کنون از شیعیان در پست های رسمی حکومت یا اصلا حضور نداشته است و یا بطور نادر حضور داشته است و تاکنون هیچ وزیری و یا عضو کابینه ای سلطنتی شیعه نبوده است». (70)

ه) تبعیض اقتصادی

در حکومت وهابیت شیعیان در بخش اقتصادی نیز از آن حقوق که یک شهروند وهابی استفاده می کند بطور یک سان بر خوردار نیست بلکه کما کان تبعیض اعمال می گردد. کراهام ای فولر و رند فرانکه در این باره نیز در مقاله خویش می نویسند: «استان الحساء از رفاه عمومی که مشخصه بخش های دیگر کشور است سهمی ندارد. شیعیان منطقه مرتب از کار اخراج می شوند زنان شیعه از زمانهای گذشته حق معلم شدن را نداشته اند این در حالی است که معلمی یکی از اندک مشاغلی است که درین کشور پادشاهی برای زنان مجاز نیست». (71) تمام این تبعیضات که از طرف وهابیون علیه شیعیان صورت می گیرد با هدف گسترش و تبلیغ اندیشه های وهابیگری و تضعیف مذهب و فرهنگ شیعه اعمال می گردد زیرا آنان می خواهند از این طریق شیعیان را در تنگنا و فشار قرار دهند تا از مذهب شان دست کشیده و مجبورا به مذهب وهابی گرایش پیدا کنند.

**17) تخریب قبور**

1. مسلمانان از آغاز پیدایش اسلام تا قرن حاضر، هرگاه یکی از بزرگان دین از دنیا رحلت کرده است، به جهت شدت علاقه و احترامی که برای او در حال حیاتش قائل بوده اند، پس از مرگ نسبت به مرقد او اهمیت و اهتمام ویژه قائل شده اند و برای ابراز محبت و احترام به صاحب

آرامگاه به زیارت مرقد او می روند، گاه در جوار مرقدش به دعا و عبادت پروردگار عالم مشغول گشته و برای آسایش و راحتی زیارت کنندگان اقدام به تأسیس بنا و ساختمان نموده اند و گاه از روی تقدس و حرمتی که برای صاحب مرقد قائل بوده اند، بر قبر او به عنوان تجلیل و تکریم، قبه و بار گاه ساخته اند و بالاخره برای روشنایی بنا، شمع و چراغ روشن کرده اند. این گونه اعمال تقریباً در تمام دوران اسلامی وجود داشته و به صورت یک سنت در جامعه اسلامی درآمده است. اما وهابیت با تمام این اعمال به عنوان مظاهری از شرک و بت پرستی، به شدت مخالفت ورزیده و برای از بین بردن این ارزش ها و باور های دینی سخت می کوشند و برای تحقق اهداف شان دست از هیچ جنایتی برنداشتند. نجم الدین طبسی نمونه هایی از فتاوی آنها را در این مورد بدین شرح آورده:

2. صنعانی می گوید: با رگاه به منزله بت است چون کاری که مردم زمان جاهلیت برای چیزهای به نام بت، انجام می دادند، همان کار را « قبوریون » برای چیزی که نام آن را قبر یا مشهد ولی گذاشته اند، انجام می دهند. به هر حال همان عمل مردم دوران جاهلیت است، با اسم دیگر؛ لکن با تغییر اسم از بت بودن خارج نمی شود. (72)

3. ابن قیم (شاگرد ابن تیمیه) گوید: بنا های قبور، به صورت بت ها و طاغوت ها بر گرفته شده و مورد پرستش قرار می گیرد. ویران نمودن آنها واجب است و پس از قدرت بر ویرانی، ابقای آنها به همان صورت - حتی یک روز - جائز نیست؛ چرا که آن ها به منزله لات و عزی و یا بزرگترین شرک ها است. (73)

4. وهابیان در نامه به شیخ الרכب المغربی، تصریح کردند: به تحقیق آنچه که از تعظیم قبور انبیا و غیر آنان، به صورت بنا و گنبد برا فراشته می شود، از جمله وقایعی است که پیامبر (ص) از آن خبر داده است. حضرت فرمود ده است: قیامت بر پا نمی شود مگر آنکه زنده ای از امت من به مشرکان ملحق می شوند و گروهی از امت من به پرستش بت ها بپردازند. (74)

5. قاضی القضاة وهابی ها (عبدالله بن سلیمان بن بلیهد) در روز نامه ام القری می گوید: تا قبل از قرن پنج ساختن قبه و بنا معمول نبود، و این بدعتی است که از قرن پنجم به بعد ایجاد شد. (75)

6. پاسخ منسوب به علمای مدینه: ممنوعیت ساختن بنا بر قبور اجماعی است. احادیث صحیحی بر ممنوعیت آن دلالت دارد؛ از این جهت گروهی بر تخریب کردن آن فتوی دادند. (76) این بود نمونه های از فتاوی رهبران فرقه وهابیت که با دلایل سخیف و بر خی زمینه سازی، ان ها را صادر نمودند و با حملات بسیار وحشیانه برای تخریب قبور و مراقد بزرگان دست بکار شدند تا از این طریق عقاید و مقدسات دیگران و به ویژه شیعه را سرکوب نموده و تفکر خود شان را به جهان تبلیغ نماید. بر اساس نقل صلاح الدین مختاری - از نویسندگان وهابی - وهابی ها به فرماندهی امیر سعود در سال 1216 هـ. ق، با لشکر عظیم از مردم نجد و عشایر جنوب حجاز و تهامه به سوی عراق حرکت کردند. آنان در ماه ذی القعدة به شهر کربلا رسیدند و آنجا را محاصره کردند. (77) سپس به صورت غافلگیرانه وارد کربلا شدند و بسیاری از اهل آنجا را در کوچه و بازار و خانه ها کشتند. آنان گنبد و حرم امام حسین(ع) را خراب کردند و جواهر های حرم را به چپاول بردند و سنگ روی قبر را که با دانه های زمرد و یاقوت و جواهرات دیگر آراسته شده بود کردند، آنچه از اموال، اسلحه، لباس، فرش، طلا و قرآن های نفیس در شهر یافتند ربودند. (78) و نزدیک ظهر از شهر بیرون رفتند در حالی که نزدیک به دو هزار ارتش از اهل کربلا را کشته بودند. امیر سعود با سپاهی مرکب از بیست هزار مرد جنگی به شهر کربلا حمله ور شدند و چنان رسوایی در شهر به وجود آوردند که در وصف نمی گنجد. حتی گفته اند آنان در یک شب بیست هزار تن را به قتل رساندند و کلاً نزدیک پنجاه نفر را نزدیک ضریح و پانصد نفر را



بیرون ضریح به قتل رساندند و به هر کس برخوردند بی رحمانه کشتند و حتی بر پیران و خرد سالان نیز رحم نکردند. در کتاب پاسخ به شبهات وهابیت طاهری خرم آبادی آمده است: مرحوم علامه عاملی در آخر جلد هفتم مفتاح الکرامه - که یک کتاب فقهی است - می نویسد: « این جزء از کتاب بعد از نیمه شب نهم رمضان المبارک 1225 به دست مصنف خاتمه یافت در حالی که دل در نگرانی و تشویش بود؛ زیرا اعراب عنیزه - که وهابی هستند - اطراف نجف اشرف و مشهد حسین (ع) را احاطه کرده اند؛ راهها را بسته و زواری که از زیارت نیمه شعبان به اوطان خود باز می گشتند، غارت نموده و جمع کثیری از آنان را کشتند که بیشتر زوار، ایرانی بوده اند و گفته می شود عدد کشته شدگان یکصد و پنجاه نفر بوده اند. «(79) در کتاب چالش های فکری و سیاسی وهابیت آمده: سید ابوطالب اصفهانی، مقیم هندوستان در سفر نامه خود، از هنگام بازگشت از لندن و عبور به کربلا می نویسد: قریب بیست و پنج هزار وهابی با اسب های عربی و شترهای نجیب وارد کربلا شدند و صدای « اقتلوا المشرکین » و « اذبحوا الکافرین » ( مشرکان را بکشند و کافران را سربرید ) سر دادند. بیش از پنج هزار نفر را کشتند و زخمی های بی شماری بجا گذاشتند. در صحن مقدس، خون از بدن های سر بریده روان، و گنبد و حجره های صحن از لاشه مقتولان، پر بود. شدت آن حادثه به حدی دلخراش و سنگین بود که وقتی من بعد از یازده ماه مجدداً وارد شهر کربلا شدم، هنوز این حادثه آن قدر تازگی داشت که جز نقل آن حادثه چیزی دیگر نبود و راویان این حادثه بزرگ، در هنگام حکایت می گریستند و از شنیدن آن موها بر بدن سست می شد. . . (80) در کتاب مذکور چنین ادامه میدهد: سنت جون فیلی می گوید: شمشیر بر گردن های اهل کربلا نهادند و مردم را بی رحمانه کشته و هم اشیای قیمتی را غارت کردند. دکتر محمد عوض الخطیب می گوید: لشکری نزدیک به بیست هزار نفر از اعراب نجد، کربلا را محاصره کردند و ناگهان وارد شدند. اهل آنجا را به سرعت کشتند و حتی برای کودکان نیز راه نجاتی نبود. خزینه ها و جواهرهای نفیس را بردند و ضریح را از جای خود کردند. . . موقعیت بسیار وحشت ناک و قربانگاه بس بزرگی بود که خون به سیلاب تبدیل شده بود. وهابیان پس از کشتار بی رحمانه اهل کربلا هتک حرم حسینی راهی نجف شدند. چون اهل نجف، جریان کربلا و غارت مدینه را شنیده بودند، کمی آمادگی داشتند. ازین رو به برداری دفاع بر خواستند. حتی زنها از خانه ها بیرون آمده بودند و مردان خود را برای مقابله تحریک می کردند تا اسیر قتل و غارت وهابی ها نشوند در نهایت این کار باعث شکست مهاجمان و عقب نشینی آنان گردید. (81) در مورد جنایات وهابی ها در نجف اشرف آمده: «آنان در سال 1221 هـ. ق بار دیگر به نجف حمله کردند و نزدیک بود شهر را تسخیر کنند ولی باز شکست خوردند و شماری از آنها کشته شده بودند بر گشتند. آنان در جمادی الثانی سال 1222 هـ. ق دگر بار به نجف حمله کردند ولی اهل نجف آمادگی کامل داشتند از شهر دفاع کردند. همچنین در سال 1225 هـ. ق نیز به نجف هجوم آوردند و راه زوار را بستند و شمار زیادی ( نزدیک به یکصد و پنجاه نفر از زائران ) را میان کوفه و نجف کشتند». (82) و در مدت نزدیک به 10 سال چندین بار شدیدترین حمله ها را به این دو شهر انجام دادند. در باره ای جنایات وحشیانه وهابی در تخریب آثار ارزشمند اسلامی چنین نگاشته است: «سپاه وهابیان به فرماندهی امیر سعود، در هشتم محرم سال 1218 هـ. ق وارد مکه شد و آنجا را اشغال کرد. مردم مکه که پیش تر خیر جنایت وهابی ها را در طایف شنیده بود از تکرار فاجعه، ترسیدند و سلطه او را پذیرفتند. آن گاه امیر سعود از آنان خواست که قبه و بارگاهایی را که بر قبور ساخته اند با دست خود ویران کند. ازین رو وهابی ها به همراه جمع زیادی از مردم، با بیل و کلنگ به سمت گورستان جنة المعلی رفتند و گنبدهای زادگان پیامبر(ص)، علی(ع) و خدجه(س) را ویران کردند». (83) و اما در مورد جنایت های وهابیت در تخریب قبرستان بقیع وبا

خاک یکسان کردن مزار امامان معصوم چنین آورده: وهابیان در سال 1220 هـ. ق به دستور امیر سعود در سال به مدینه حمله کردند و پس از یک سال و نیم محاصره، شهر را به اشغال در آوردند. قاضی شهر را که از شهر بیرون کردند و مردم را از زیارت مرقد مطهر پیامبر و بزرگان مدفون در بقیع باز داشتند. آن گاه امیر سعود به وهابیان دستور داد تا آثار و قبور بقیع را ویران کنند. ازین رو به همراه آنان به قبرستان بقیع یورش بردند و آنچه از قبه ها و آثار بر روی قبور بود با خاک یکسان کردند. از جمله قبر چهار امام معصوم. امام حسن مجتبی، امام زین العابدین، امام محمد باقر، امام جعفر صادق علیه السلام را و همچنین قبر عبدالله پدر پیامبر اسلام را خراب کردند و هر آنچه از اشیای قیمتی و گران بها یافت می شد غارت کردند.

### نتیجه:

بعد از فوت شیخ محمد، فرزندانش آل سعود بر کشور عربستان حکومت دارند و باهم برای گسترش این تفکر به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سراسر جهان تلاش می کنند. آنها با در دست داشتن منابع و ذخائر نفت و گاز و تسلط بر حرمین شریفین از روشهای مختلف مانند ایجاد رعب و وحشت و ترور توسط گروه های تند رو در کشور های اسلامی، اصرار و تحمیل عقیده، اکمال و اعزام مبلغ در کشور ها، انتشار و پخش کتب، در انحصار قرار دادن مراکز انتشاراتی و رسانه ای و کتابخانه ای، استفاده مغرضانه از دانشگاه ها و مراکز علمی و فرهنگی، استفاده از احساسات مردم با شعار های جذاب همچون جهاد با کافران، نجات اسلام و بدعت زدایی علیه مخالفین شان و صدور فتوا های شدیدالحن علیه آنها، اعمال هر گونه تبعیض در داخل عربستان، تخریب قبور آرامگاه اولیاء و بزرگان دین، تحریف کتب اصلی و نشر کتاب های دروغین و همچنین اتهامات و نسبت های دروغین علیه شیعیان استفاده نموده و شبانه روز برای تضعیف مذهب شیعه و گسترش تفکر وهابیت با شعار مبارزه با شرک و بدعت های رایج، تبلیغ می نمایند گرچه امروزه بعضی از وهابیون تجدد گرا نگاهی معتدل تری نسبت به رفتار با شیعیان دارد. از آن جای که هر زمان روش و متد خودش را دارد و وهابیت متعصب نیز با همان سلاح و مدل روز به میدان خواهد آمد، لذا بر ما لازم است با آگاهی و هوش یاری در پی شناسایی روش های جدید این عنصر خطر ناک باشیم تا در جهت تحریف زدایی از اسلام عزیز و دفاع از حقانیت مذهب شیعه و بیداری مسلمین از دام های وهابی موفق تر عمل کرده باشیم.

### پی نوشت ها

1. مائده / 99.
2. دشتی، محمد، نهج البلاغه، ص38 ( خطبه اول، قسمت 36 و 37 ).
3. لسان العرب، ج8، ص، 419.
4. موگهی، عبدالرحیم، تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، صص 22 و 23.
5. اعراف / 79.
6. مائده / 99.
7. احزاب / 39.
8. بچاری، جعفر، تبلیغ، ص18.
9. جعفری، عباس، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386.
- 9

. سلفی گری، ص197. 10

. مجله میقات، شماره 43، ص 198، به نقل از روزانه عکاظ، مورخ 11/9/11 81

نوح / 7. . 12

1. زمر / 17 و 18.
2. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، ج 19، صص 411، 412 و 413.
3. همو، وهابیت بر سر دو راهی، صص 48، 52 و 54
4. همان ص38.
5. مرادی، جعفر، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386.
6. الگار، حامد، وهابیگری، ترجمه احمد نمایی، صص 14. 13.
1. اسد علی زاده، اکبر، چالش های فکری و سیاسی وهابیت، صص 116. 19.
2. رضوانی، علی اصغر، سلفی گری و پاسخ به شبهات، صص 204 و 205.
3. ابراهیمی، محمد حسین، تحلیلی نو بر عقاید وهابیان، ص24.
4. مرادی، جعفر، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386.
5. سلفی گری و پاسخ به شبهات، ص198.
6. مرادی، جعفر، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386.
1. ماهنامه خبری و تحلیلی شیعیان جهان، ص7
2. فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386. 26
1. محمدی آشنانی، علی، شناخت عربستان، صص 56. 59.
2. جعفری، عباس، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386.
3. جعفری، عباس، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386.
1. حسین قزوینی، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386
2. مجادله / 11.
3. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه ج 23، صص 454.
4. جعفری، عباس، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386.
5. جعفری، عباس، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386
6. همان،
7. رضوانی، علی اصغر، مبانی اعتقادی وهابیان، صص 74، به نقل از الدررالسنية، ج 1 ص 117.
8. همان، به نقل از الدررالسنية ص 120.
9. همان، به نقل از الدررالسنية ص 160.
10. الگار، حامد، وهابیگری، ترجمه احمد نمایی، ص 50.
1. امین، سید محسن، تاریخچه، نقد و بررسی وهابی ها، ترجمه و نگارش سید ابراهیم سید علوی، صص 151 و 152.
2. پل بون آنفان، شبه جزیره عربستان، ترجمه دکتر اسدالله علوی، ج 1، ص 317. 42.
1. علامه، امین، کشف الارتیاب، صص 211 و 212
2. حسین قزوینی، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386
3. جعفری، عباس، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386
4. قزوینی، سید محمد حسن، فرقه وهابی، ترجمه علی دوانی ص 21
5. گراهام ای. فولرور ند فرانکه، مترجم خدجه تبریزی، دو ماهنامه اطلاع رسانی پژوهشی مرکز جهانی علوم اسلامی، ش 20،
6. مهر و آبان 1385 و وهابیان ص 347.
1. مرادی، جعفر، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386. 48

2. همان.  
ابراهیمی، محبوبه، فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی - اجتماعی و سیاسی، ش 7، اسفند 1386.
- سلفی گری و پاسخ به شبهات ص 194. 51
- همان. 52
- همان به نقل از تاریخ آل سعود ج 1، ص 158؛ آل سعود من این الی این، ص 47. . . . 53
- فؤاد ابراهیم، ترجمه مهدی بهرام شاهی، نشریه پگاه، ش 226، اسفند 1386. 54
- همان. 55
1. فؤاد ابراهیم، ترجمه مهدی بهرام شاهی، نشریه پگاه، ش 226، اسفند 1386.
2. همان.
3. همان.
4. احمدی لغورکی، بهزاد، نشریه پگاه، ش 219، آبان 1386.
5. احمدی لغورکی، بهزاد، نشریه پگاه، ش 219، آبان 1386.
6. همان.
- گراها م ای، فولر ورنند فرانکه، مترجم خدیجه تبریزی، دو ماهنامه اطلاع رسانی پژوهشی مرکز جهانی علوم اسلامی، مهر و آبان 1385، ش 20.
1. همان
2. بهرام شاهی، مهدی، نشریه پگاه، ش 227، اسفند 1386. 64 .
3. همان.
4. اند، ورنر، جامعه شیعة نخاوله در مدینة منوره، ترجمه رسول جعفریان، صص 152 و 153.
5. احمدی لغورکی، بهزاد، نشریه پگاه، ش 219، آبان 1386.
- گراها م ای، فولر ورنند فرانکه، مترجم خدیجه تبریزی، دو ماهنامه اطلاع رسانی پژوهشی مرکز جهانی علوم اسلامی، مهر و آبان 1385، ش 20.
7. همان.
8. احمدی لغورکی، بهزاد، نشریه پگاه، ش 219، آبان 1386.
- گراها م ای، فولر ورنند فرانکه، مترجم خدیجه تبریزی، دو ماهنامه اطلاع رسانی پژوهشی مرکز جهانی علوم اسلامی، مهر و آبان 1385، ش 20
10. طبسی، نجم الدین، رویکرد عقلانی بر باور های وهابیت، ج 5، ص 13.
- 73 . همان، ص 14.
- . همان. 74
- همان. 75 .
- همان. 76.
- چالش های فکری و سیاسی وهابیت، صص 67 و 68، نقل از تاریخ المملكة، السعودیه، ج 11 ص 73
2. همان، نقل از عثمان بن بشر النجدی، عنوان المجد فی التاريخ النجد، ج 1، ص 121
- طاهری خرم آبادی، سید حسن، پاسخ به شبهات وهابیت، ج 1، ص 20، به نقل از مفتاح الکرامه: 7 / 653
- چالش های فکری و سیاسی وهابیت، صص 68 و 69، نقل از میرزا طالب اصفهانی، سیاه طالبی، ص 408.

5. همان، نقل از ماضی النجف، حاضرها، ص 325
6. همان، نقل از صفحات من تاریخ جزیره العرب الحدیث، ص 177
7. همان، نقل از الدرر السنیة، فی الرد علی الوهابیة، ج 1، ص 153.

#### منابع

1. قرآن کریم
- ابراهیمی، محمد حسین، تحلیلی نو بر عقاید وهابیان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة، چاپ چهارم 1379
3. ابن منظور، محمدابن مكرم، لسان العرب، بیروت چاپ سوم 1414 ه. ق.
- اسد علی زاده، اکبر: چالش های فکری و سیاسی های وهابیت، قم، مرکز پژوهش وهابیت و سیمای اسلامی، چاپ دوم 1386.
5. الگار، حامد: وهابیگری، ترجمه احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، 1387.
- امین، سید محسن: تاریخچه، نقد و بررسی وهابی ها، ترجمه سید ابراهیم سید علوی 6 تهران، امیر کبیر، چاپ چهارم 1376.
- اند، ورنر، جامعة شیعة نخاوله در مدینة منوره، ترجمه رسول جعفریان، قم، دلیل، چاپ اول 1379
8. بچاری، جعفر، تبلیغ، قم، نورالنور، چاپ اول 1383.
9. بختیاری، محمدعزیز، شیعیان افغانستان، قم، انتشارات شیعه شناسی، چاپ اول 1385.
- رضوانی، علی اصغر، سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ ششم، 1388.
- رضوانی، علی اصغر، مبانی اعتقادی وهابیان، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم 1386
12. روزنامه کیهان.
- طاهری خرم آبادی، سید حسن، پاسخ به شبهات وهابیت، قم دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم 1386
14. طبسی، نجم الدین، رویکرد عقلانی بر باور های وهابیت، قم، امیرالعلم، چاپ اول 1384.
- صالحی، سیدعباس، هفته نامه پگاه، قم، موسسه فرهنگی پاسدار اسلام. ش 1526
- 4 اسفند 1386. -15
- فاضل، مجتبی، اخبار شیعیان ( ماهنامه خبری و تحلیلی شیعیان جهان)، قم، انتشارات شیعه شناسی، ش دوم، سال 1364
17. فقیهی، علی اصغر: وهابیان، تهران، اسماعیلیان، چاپ دوم 1364.
18. محمدی آشنانی، علی، شناخت عربستان، تهران، مشعر، چاپ اول 1381.
- راها م ای، فولر و رند فرانکه، مترجم خدیجه تبریزی، دو ماهنامه اطلاع رسانی پژوهش مرکز جهانی علوم اسلامی، مهر و آبان 1385، ش 20
- گروه نویسندگان زیر نظر پل بون آنفان، شبه جزیره عربستان در عصر حاضر، ترجمه د. اسدالله علوی، ج 1، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ 1378.
21. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و یکم 1373.
- مکارم شیرازی، ناصر: وهابیت بر سر دوراهی، قم، مدرسه الامام علی (ع) چاپ اول 1384
- موگهی، عبدالرحیم، تبلیغ و مبلغ در آثار شهید مطهری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول 1377.
24. وحیدی، س، م، نگرش بر وهابیت، بیا مکتب اهل بیت، چاپ اول 1373. -25

- نشریه فرهنگ پویا، فصلنامه فرهنگی-اجتماعی و سیاسی، نشریه دانشجویی پویا، قم، ش 25  
اسفند 1386.
26. ویژه نامه مذهبی فرهنگی هبات محبین اهل بیت (ع)، ص 3، اصفهان 1386 - 27.
27. [www. askquran. ir/showthread. php 16/4/1387](http://www.askquran.ir/showthread.php/16/4/1387)